

زندگینامه

و

مدافعات

مجاهد شهید

سعید محسن

از مؤسسه سازه‌های خلاق ایران

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)



مجاهد شهید
سعید محسن

زندگی نامه

مجاهد شهید مهرداد محمدحسن

شعله ای فرار از جنین سلحشور خلق ایران

www.KerabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

سعید محسن در سال ۱۳۱۸ در يك خانواده از قشر متوسط در
زنجان بدنیا آمد و همان جا به مدرسه رفت تا دیپلم گرفت . در محیط اجتماعی
خود بزرگ شد و از خوبیها ، بدیها ، زنجیها ، و شادیهای موجود تاثیر
پذیرفت . او هم مانند جوانان ، حسن وصال خودش با آرزوها و افکار
مختلف مواجه بود . آنچه در او میبود بطور چشمگیر ملاحظه کرد ، این بود
که نسبت به بریانیاتی که در دورتش میگذشت تابع محض نبود ، به خود حق
فکر کردن میداد . ممکن بود او ابراهیمی بگردد ولی برگشتن و تصحیح راه
را برای خود حفظ میکرد . او انصاف یک جوان سرزنده را برای طمع و
چشم و گوش بسته خواند . در همین آنکه روابط و پیوندهای خوب اجتماعی
را محترم میشمارد ولی کورکورانه هم طمع کسی با چیزی نبود و همین سلسله
برای او گشاینده راه بود . دستگاه های تربیتی و اجتماعی سعی می
کنند که جوان ، جز از آنچه برایش ترسیم میکنند از چیزی دیگری سر در نیارند
ولی او چنین نبود . برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در سال ۱۳۲۰
از دانشگاه طی در رشته تأسیسات مهندس شد . سعید پیوندها و
عواطف خانوادگی را حفظ میکرد ولی تا آنجا که در راه مبارزه بکار آید .
دوستیها و رفقا های خود را با هم شهر به او هم کلاسان و همکاران حفظ
میکرد ولی باز تا آنجا که برای مبارزه طیف افتد . درس و دانشگاه و آزمایشگاه
را طبع میداد ولی تا آنجا که برای مبارزه بکار آید . آنچه هرگز از یاد
او نرفت مسئولیت میپذیرد . مسئولیت نخستین يك جوان که خود را
بمنوان انسان ، مسئول بداند . انسانیکه پیش از هر چیز بگر مسئول
تعمیر شرایط استم پارکونی است . سعید این را مانند هر جوان چشم و
دل باز در مندی ، خوب درك میکرد و کوشید همه قدرت خود را در راه
این هدف بکار گیرد .

دوران دانشجویی سمید بهاری با سالهای ۳۹ تا ۴۲ و
 فعالیتهای جنبه ملی و نهضت آزادی بود. او خاطر فعالیتهای سیاسی
 دو بار زندان افتاد که بار دوم به عنوان عضو کمیته دانشجویان نهضت آزادی
 شب اول بهمن ماه ۴۰ (که فردایش پلیس به دانشگاه حمله کرد)
 همراه ده ای دیگر دستگیر شد و پس از چند ای آزاد گردید .
 مشخصه جالب سمید ، پند آهوی از جریانات بود . او می
 حواشی که اتفاق می افتاد فکر میکرد حواشی را که میدید سعی میکرد آنها
 را کار هم بگذارد و غالباً از حواشی مختلف و کار هم گذاردن آنها تفسیری
 درست داشت . سعی میکرد با صراحت و آریه بعضی طت حواشی را
 درک کند . چرا فلانی را دستگیر کردند ؟ چرا این آنکه اعلام نمود فلان
 اقدام از طرف رژیم صورت گرفت ؟ چرا فلانی را با آنکه ظاهراً برای مردم
 خطرناک است آزاد میگذازند ؟ یا آزاد کرده اند . الان وظیفه ما چیست
 او همیشه نسبت به جریانات مهم سیاسی و اجتماعی کشور جهان سوالات
 و تفسیرهایی در ذهن داشت یا جستجو میکرد . علت سوال و جواب پیدا
 کردن برای سوالات هرگز از ذهن پیدا او محو نمیشد .
 سمید يك انسان زنده و جوان بود . هرگز از آموختن خالی نبود
 میکوشید از همه چیز درسیاورد . نه تنها به کارهای فنی رشته اش بخصوص
 جنبه های علمی علاقه فراوان داشت . بلکه از وظیفه اجتماعی و فکری
 خود نیز خالی نبود و بسیار با فعالیت تمام و حتی بیشتر از درسی با آنها سرو داشت
 چون پایه نتیجه رسیده بود که تا جامعه بر پایه ضیق و صحیحی گذشت
 نمیکند يك مهندس خوب هم جز در رنج و سختی ارتجاع و سرپاها های خارجی
 کاری انجام نخواهد داد .
 پرکاری سمید نمونه بود . وقتی در سال ۴۰-۳۹ میل جول او را
 خراب کرد و دانشجویان دانشگاه برای تعمیر خرابیها ، آکمیهای کله
 تشکیل دادند . وقتی زلزله آج و قزوین در سال ۴۱ ویرانیها بار آورد

واظرف سازمانهای مختلف سیاسی ساختارهایی در آنجا ساخته شد
 سعید بااصفرید یح زادگان بسیاری از هم کلاسان مانند دیگر دانشجویان
 مردم خیرخواه وفاداری و مدردی خود را با خلق نشان دادند و سرانجام
 شناخته ، شب و روز کار و تحصیل شهر را بی کرده چند ماه در آنجا بکارگری
 و تماس با مردم پرداختند . سعید از همه این امور درس بی آموخت
 بدبختیهای مردم ، نیروهای مثبت آنان و همچنین تأثیرات منفی جامعه
 استثمارزده فاروی زحمتکشان را مشاهده میکرد .

انقلابی از مردم درس میگرفت و از آنها میآموزد و میکوشد در راه خیر آنها قدم بر
 دارد . در ایران و نیز در بسیاری از کشورهای دنیا ، انقلاب ضد استعماری
 تازه پاست . بسیاری از امور از صفر باید شروع کرد . باید در رهل و تدریج
 و با گذشتن از طریق خطا و آزمایش راه را جست . سنتهای انقلابی خلق
 ما و تجارب انقلابی خلقهای جهان همگی معترضند و ارزشمند . اما باید
 تجربه جدید و خاص خلق ما را آفرید و خلق کرد .

سعید با درود و احساس مسئولیت ، در گداب محیط استشاری و استعمار
 ایران حل نشد و همواره کوشید نه تنها آنرا بشناسد بلکه آنرا تغییر دهد
 سعید پس از پایان تحصیل ۱۸ ماه خدمت وظیفه را انجام داد . در
 ۱ ماه اول خوب محیط ارتش را ارزیابی میکرد . نقاط قوه و ضعف ارتش
 چیست ؟ از همین تعلیمات نظامی ارتش چه چیزهایی را باید آموخت
 سعید باعلاقه خیلی خوبی در سبهای نظامی را فرا میگرفت و هرگز از آنها
 سرسری رد نمیشد . تیراندازی و پرتاب نارنجک و نگهبانی و راه پیمائی
 هیچکدام برایش مبتذل تلقی نمیشد . او میبایست از آنها استفاده میکرد
 مثلا اود او طلبانه ، سینه خیز از زیر سبهای خاردار ارتش از یک بار انجام
 میداد و این کار را خیلی بانشاط و علاقه میکرد . فراوانند کسانی که در همین
 شرایط قرار میگیرند و هیچ استفاده مثبتی نمیکنند ولی او چنین نبود . مگر
 نه اینست که باید با همین امکانات موجود دست به انقلاب زد و مگر نه این

است که چنین کاری ممکن بوده و هست ؟

هنگام تقسیم مأموریت ، پس از ۹ ماه دوره آموزش اولیه ، به خاطر فعالیتها و سابقه سیاسی اش او را به منطقه ای گرم در جنوب یعنی جهرم در فارس ، فرستادند و در واقع تمهید کردند ، سعید ۹ ماه را در جهرم گذراند . این اولین بار نبود که سعید به مناطق جنوبی کشور فرستاده شد .

فلا هنگام کارآموزی در آبدان ، شاهد فرستادن دیگری مردم آن مناطق بود . انسانهایی را دیده بود که با شکم گرسنه روی دریای نفت بدنیال بسته ای خاربرای اجاقشان میزدند . او شاهد بسیاری به حساب نفت بود او از صمیم دل رنج کشیده بود . این بار که به جنوب ایران رفت قرار بود مدت طولانی یعنی ۹ ماه آنجا بماند . پس باید بهتر مطالعه کرد . او قبل از همه با سربازان سروکار داشت . سربازهایی از همان جنوب ، از دهقانان و کشاورزهای محروم ، محروم از حقوق انسانی . سعید که يك افسر بود رفتار يك افسر استعماری را ندانست . سربازان آنروز که میتوان دوم سعید را میشناخته اند مسلماً با شنیدن خبر شهادت او تنگان خورده اند ، بلکه افتاده اند ، چه کسی ممکن است سعید محسن را تنهاران کرده باشد . بدون شك این فکر آنها را به حدی سعید ، به مبارزه طبعی وضع ظالمانه موجود ، به مبارزه برای سقوط بنیان استعماری و استکباری موجود رهنمون خواهد گشت آنچه بوی از هر چیز دیگر سربازان زیر دست او را به او تلقین کرده بود اختراعی بود که سعید بدانان میگذاشت . تشنه آن بودند که کسی برای آنها ارزش و احترام انسانی قائل باشد و سعید چنین میکرد .

سعید با آنها همچون يك برادر بود و رفیق بود . احترام انسانی چیزی است که در ارتشهای استعماری وجود ندارد . سعید از فرصت اقامت در جهرم استفاده کرد و با طبقات مختلف مردم و خصوصاً با مردم طایفه و فقیره با روشنفکران و جوانان محمل و روحانیون طرفی آشنائی پیدا

کرد. او در همان جلسه اول چنان با طرف، صمیمی میشد که دیگر دوستی محکمی بین او و دیگران برقرار میگشت. برای نمونه شی که میخواسته فردایش از جهرم حرکت کند تا صبح مردم برای خدا حافظی پیش او میآهده اند. آری طبرخ آنچه خیلی از توقمان و عزیزان بلا جهت می پندارند. مردم خیلی هم قدر شناس اند و دوست و دشمن خود را تشخیص میدهند. صمیمیت و محبت رفیقانه سعید از یاد نرفتگی است. سعید در بین طبقات مختلف مردم جهرم دوستانی داشت. مردم جهرم بقل خودشان "آقای مهندس سعید" را هرگز فراموش نمیکند. سعید در دل آنها نیز زنده است. سعید بسیار اینکه افسرد و مردم نجارب تلخی از دست دولت دارند و معمولاً با مأمورین دولتی بانوی احتیاط و دوروی میشوند ولی چون سعید در رفتار خود ثابت کرده بود که چگونه است، مردم بغوی در دل خود را برای او باز میگفتند. عصرها که به مزارع دور شهر سر میزد و روزهای جمعه که به مك بعضی از دهقانان و همگاری بازارها میرداخت، خوب با مردم جوش میخورد.

سعید خیلی اهل اهل بود. از کار خسته نمیشد. برایش شرمین بود که کار سختی را که شروع کرده با استقامت بپایان برد. هرگز کاری را نیمه کاره رها نمیکرد. یکبار از یادگان، حدود ۲ بعد از ظهر به خانه برمیگشته از یادگان يك آشنا را دید، می پند که يك دستگاه فن داخل مغازه خراب شده. دستگاه فن مزبور چیزی بود، شبیه چرخ خیاطی بانظیر آن. سعید لباسش را در آورده و با اینکه گرمس و خسته هم بود، تا حدود ۷ بعد از ظهر آنرا راه میاندازد. پشتکار او برای مادرش است. جوش خوردن او با مردم برای مادرش است. نواضع او پیش از هر چیز مردم را شایسته خود کرده بود. مردم ندیده بودند يك تحصیل کرده با تیترو مهندس اینقدر با آنها خودمانی باشد. تحصیل

کرده های خود باخته غالباً فراموش میکنند که هر چه دارند بدون مرده شدن
و باین دلیل بخصوص در شهرستانهای کوچک عدم تکبر و فخر و فروتنی و
خود را بالاتر از مردم و سرور آنها تلقی میکنند . مردم همانقدر که نسبت به
انها تحقیر و امید دارند ، نسبت به انسانهایی چون سعید محسن احترام
و ارزش قائلند .

مردم محال است که خدمت بخود را زیاد ببرند . بقینا خیر
شهادت سعید محسن بسیاری از چشمه‌ها را در جبهه گریان کرده و دل‌های
فراوانی را از کینه نسبت به قاتلان سعید محسن (یعنی آمریکا و شاه
خونخوار) پر کرده است . این موجب خواهد شد که مردم به راه او بروند
راه مبارزه مسلحانه علیه دستگاه استبدادی و جنایت پشه پهلوی .
راه سقوط دستگاه ضد مردمی محمدره‌ها شاه دژخیم . سعید و ده‌ها
سعید دیگر در سال گذشته بدست سگهای زنجیری آمریکا یعنی شاه و
عمال پلید او کشته شدند و یاد ریزند آنها پوسیدند .
سعید در دل مردم ایران . در دل مردم جبهه از تمام طبقات^ش
زنده است . سعید در جبهه بدر در مندی باشد . در مردم در
وطن . مردم جبهه نزدیک خود را به انقلاب خلق و به مجاهدین
راه آزادی ادا کرده و خواهند کرد . مردم زنجان نیز وجود مجاهدی
چون سعید افتخار میکنند و برای او ادا می‌خواهند . درود و افتخار به مادر
سعید که چون او پرورش داد .

سعید به تهران آمد . مدتی در تهران به کارهای سیاسی
از نوع سابق پرداخت . یعنی کوشید به نهضت آزادی که سرانش در
زندان بودند سر و سامانی دهد ولی بزودی فهمید که در شرایط جدید باید
کاری تازه کرد . از تجارب گذشته باید آموخت . باید آنها را از بنیاد کرد
و به اندازه خودشان به ادا دادنه کثرونه بیشتر . بعد برای امرار معاش
در کارخانه ارج و سپس در کارخانه پروتیل سینتاکار گرفت . در کارخانه

ارج بنخاطر آنکه باید بر کارخانه بر سر دفاع از حقوق کارگران اختلاف شدیدی پیدا کرده بود از آنجا بهیچون آمد. در کارخانه بروفیل سهفتان نیز با کارگران خیلی دوست بود. همیشه با کارگران غذا میخورد و با آنها رفیق بود. یک بار که از کارها سرکشی میکرد، یک تکه آهن بزرگ او طبقه بالا رها شده بود. سعید بنخاطر آنکه مبادا بر سر کارگری که پائین بوده بوفتد خود را جلو انداخته بود که آنرا بگیرد و در نتیجه انگشت کوچکش نزدیک بود قطع شود که بعدها جراحی کمی بهبود یافت ولی انگشتش دیگر خم نمیشد. سعید در آن کارخانه خیلی وقتش اشغال بود. کارخانه های غیر دولتی شوره مهندس راهم میکنند تا چه رسد به کارگوشان. سعید برای کار فکری و سیاسی و برای آنچه فکر میکرد باید انجام داد یعنی پیدا کردن راه چاره ای برای خروج ازین پست مبارزه، دیگر وقتی برایش نمانده بود. این بود که آن کار را هم رها کرده استفاده غیر رسمی وزارت کشور را بدو و تعدادی تأسیسات تهیه و تلفن ساختمان وزارتخانه را بعهده داشت. از سال ۴۴ باین کاربرد اخت. او تا آخر، بهمینکار که فقط صبحها وقتش را میگیرد مشغول بود. او هم مردانه در راه هدف سیاسی خود کوشید و هم از کار روزانه بعنوان وسیله امرار معاش استفاده کرد از لحاظ امنیتی چنان خوب کار میکرد که هیچ کس باو مشکوک نشد.

کارمندان و مخصوص کارکنان جز وزارت کشور و کسانی که سعید با آنها سروکار داشت روحیه او را خوب بیاد دارند. سعید امکاناتی را که بهسر طریق میتوانست از وجودش در وزارتخانه ها کسب کند. چه اطلاعاتی وجهه غیر آن، در راه سازمان بهکار میگرفت.

سعید که از مؤسسه سمن سازمان مابود در داخل سازمان نیز بطور خستگی ناپذیر کار میکرد. در آغاز امر، بخصوص هنگامیکه کارهای سیاسی و فکری سازمان هنوز بهرکافی نبودند و سازمان در ابتدای کار خود بود، سعید در هفته ۱۶ جلسه و قرار ملاقات داشت. در شرایط پلیسی آنهم

قرار و جلسه با عده ای که باید هنگام ملاقات حرف تازه و حسابی و فکر شده داشته باشی چند کار و هوشیاری لازم دارد و تازه کار اداری هم در کار همه اینهاست .

کسی که در کارتشکیل هسته اولیه يك سازمان انقلابی در شرایط پلیسی است ، پرستی باید همه فن حرف باشد . مطالعه کند ، فکر کند ، شناسائی نسبت به محیط و افراد داشته باشد ، در تدارك عمل باشد . محل شغلی خود را خوب حفظ کند بطوریکه مورد شك پلیس قرار نگیرد و برای سمید با اینکه سابقه سیاسی نیز داشت این کار سنگینتر هم بود . اینها همه مستلزم کوشش و وجدان بود . مسائل ایدئولوژیک ، سازماندهی ، امنیتی و غیره اینها همه باید حل میشدند سمید همراه با رفقاییش بتدریج و با حوصله و پشت سرگرداردن خطا و آزمایش و تجربه و جمع بندی سازمان را تکامل بخشیدند و هرکس سهم خود را در این راه تا آنجا که میتوانست انجام داد . در طول کار جمعی خود تکامل مییافت و هم سازمان و تکامل هر یک در دیگری مؤثر بود .

سمید طی مقاله ای که در همان سالهای اول تشکیل سازمان از طرف سازمان منتشر شده ، نوشت : شرایط سخت و دشوار عامل مزه بندی دقیق بین جنبش و ضد جنبش است . پیدا این مزه بین جنبش و ضد جنبش ، انقلاب و ضد انقلاب خود دلیل بر تکامل مبارزه است . زیرا تنها در چنین صورتی است که برای فرصت طلبی و سازش کاری محلی باقی نخواهد ماند .

فرصت طلبان و سازشکاران و آنها که با اصطلاح یکی بنعلام میزنند و یکی بیخ مواضع خود را از دست خواهند داد و در این شرایط تنها مردان صمم هستند که با رصنگین نبرد را بدوش میکشند و دارای قدرت اراده نپسرد و صبیح و آگاه نمودن نوده نفا در هرگونه شرایط سخت میباشند . آیا درك این مسئله برای همه میسر است ؟ سلمانة . تنها کسانی

قدرت این کیفیت را دارند که باندیشه علمی واراده صیقل دهند . شرایط
 راصیقا می شناسند و مطابق با شرایط در خود آمادگی ایجاد میکنند . بر ماست
 بکوشیم تا در شمار چنین افرادی در آئیم . سازمان در برگیرنده این عناصر
 نیز سازمانی است که خود شوره شرایط خانگی و دشوار محیط است . بین
 ریشه های وجودی چنین سازمانی و شرایط محیط ، رابطه مستقیمی
 وجود دارد .

این نمونه ای بود از آنچه سعید و هم رزمان او بدان می اندیشیدند .
 یکی از خصلتهای خوب که باید از آن آموخت قدر دانی و احترام بود
 که نسبت به خدمات و جنبه های مثبت اشخاصی داشت . یک موضع
 گیری مثبت کوچک یا بزرگ برای او چشمگیر بود . همیشه حساب میکرد که
 چه کسی در چه شرایطی است و موضع گیری او چه ارزشی میتواند داشته
 باشد . مطلق گرایی و بر توفعی ندانست . یکبار یکی از برادران به
 نقاط سیستان و بلوچستان سفر کرده بود . وقتی برگشت با خود ۳۰۰
 تومان هدیه آموزگاری را که در آن نواحی در دست کار می کرده با خود هم
 راه داشت . آن آموزگار البته ندانسته بود که سازمانی هست و دارد .
 چه میکند فقط از فشار و صحنه های خصوصی برادر ما فهمیده بود که هدیه ای
 در هم جمعند و دارند کارهایی میکنند . بدون آنکه اطلاع بیشتری به
 خواهد با اصرار زیاد ۳۰۰ تومان را داده بود باین عنوان که برادر ما بهر
 شکل صلاح میدانند از آن استفاده کند . سعید میگفت : مانباید این
 پول را قبول کنم . باید ببینیم آیا مالیات پذیرش چنین پولی را داریم؟
 مادر را برگردن این پول مسئول خواهیم بود . ما چگونه جواب این
 فداکاری را بدهیم . آری سعید کار آن آموزگار در دست و جواز نمودن آن را این
 حدارج میگذارد .

سعید وقتی این اصل سازمانی را شرح میداد که " باید در امر مبارزه حل
 شد " خوب معنی حرفش را میفهمید یکبار یکی از برادران با او گفته بود :

" سعید خدا کند شروع کننده ما باشیم (یعنی سازمان با عمل صلحانه را شروع کند) سعید در جواب گفته بود : " خدا کند شروع شود ، فرق نمیکند مایا یا دیگران . هرگز شروع کرد ما پشت سرش راه میافتیم .
 خصلت بسیار خوب دیگر سعید ، شاد بودن اوست . سعید هرگز برای مدت طولانی غمگین نبود . خیلی سریع برغم وزنج غلبه میکرد . او با مشکلات بانشاری مواجه میشد . همین مسئله موجب شد که سلامت او بخطر نیافتد . با آنهمه کار مداوم که داشت همیشه شاد بود . شادی در عین جدیت . هرگز گرفته و دلگیر نبود . این درسی است که باید از او آموخت که انسان انقلابی در برابر مشکلات غمگین و متأثر نمیشود و با نشاطها آنها برخورد میکند . یکبار سعید یکی از برادران که بناظر موضوع مربوط به سازمان غمگین بود گفته بود : " چرا ناراحتی ؟ فردا که دیدی برادرت در کارت کشته شد چکار میکنی . باید سعه صدر داشت . باید تحمل کرد " .

سعید يك كوهنورد خوب بود در بسیاری از اوقات چنان پس از ۱۰-۱۲ ساعت کوه پیمایی مداوم بانشاط و شادی قدم برمیداشت و چنان با حوصله در مسائل بحث میکرد که تعجب میکردی .
 از این تمام آنچه شمرده ایم خصلت رفیقانه سعید از همه چشمگیرتر است سعید خود شیفته همین محبت رفیقانه بود . ناگفته نگذاریم که او در این باره همیشه از مادرش یاد میکرد و خود را با یون مادرش میدانست . سعید هر چه داشت . فکر و کار و تحصیلات و استعداد و تمام وجودش را در خدمت انقلاب گذاشت . سعید وظیفه خود را انجام داد و خوشبختانه کم نیستند امثال سعید . خلق مافروزدان قهرمان فراوان بهار آورده و خواهد آورد . آنچه شایان توجه است این که سعید که در جند رود های همین محیط زندگی میکرد میتوانست مثل هزاران تن دیگر از همسالان و هم دوره هایش راه عافیت در پیش گیرد . ادامه تحصیل و کار علمی .

زندگی خانوادگی ، شغل و جمع آوری ثروت . حال صبر کنیم ببینیم چه میشود فعلاً شرایط مناسب نیست . کارهای اصلاح طلبانه و دل خوش کفک . روشنفکر مآبی و مسلحانی بی درد سر همه را میتوانست پیشتر گیرد ولی احساس مسئولیت انسانی او را بفکر اساسی وادانت . این آیه قرآن را سعید بارها تکرار میکرد : انظر ضنا الامانه علی السموات والارض فأین ان یحطنها و اشفقن منها و عطها الاصلان . . . یعنی ما بار مسئولیت را با آسمان وزین اراکه کردیم و نتوانستند آنرا تحمل کنند ولی انسان آنرا بدوش کشید . سعید باین امر باور داشت که پس از شناخت جهان انسان مسئول تغییر آنست . احساس مسئولیت او برای برافکندن بساط ستم و استثمار او را بفکر و سازماندهی و تدارک نبرد مسلحانه رهنمون گشت . او قدم اول را صحیح برداشت وجه مهم است همین قدم اول - قدمهای صحیح دوم سوم و هزارم راهم زمانش ، توده های خلق ، که با انقلاب و قهرمانان خود وفادارند برخوردارند . سعید براسنی مجاهد بود از اول شهر سرد . که با سارت پلیس در آد تا چهارم خرداد ۱۳۰۵ که به شهادت رسید بدقت چه ها بر او گذشت . کسی نمیداند . همین قدر معلوم است که روی چنان کسی ، رژیم صفاک و خون آشام شاه هر چه توانسته شیوه های شکنجه پیاده کرده ، سعید را شکنجه کرده تا اعتراف کند و او چیزی نگفته ، تا پوزش بخواید و اولب از لب نگشوده ، تا صاحب تلویزیو نی کند که از مجاهدی چون او بدور بوده .

سعید ، انسان زندگی کرد و چون انسان بشهادت رسید منعلی را که او فروخت روشن روشن تر خواهد ماند . باور راه او سوگند یاد میکنیم که همچنان بمبارزه قهرآمیز و مسلحانه ادامه خواهیم داد .

سعید در دل آنها که تفنگها را بدوش میگردند و طبعه امریالیم میجنگند زنده است سعید نمرده ، هرگز نمرده آنکه دلش زنده شد به عشق .

مدافعات

مجاهد شهید / محمد حسن ازخیاں گذاران سازمان

مجاهدین خلق ایران در ادگاہ نظامی

انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

بهمن ماه ۱۳۵۱

رد صلاحیت :

الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفرو یقاتلون فی سبیل الطاغوت
 وقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفاً (قرآن سوره نساء
 آیه ۷۹) آنانکه ایمان آوردند در راه خدا و راه کمال انسانی پیکار میکنند
 و آنانکه حقایق را پوشانند و کوشندگان برای دیکتاتورها و مستکبرانند پس
 یاران و دوستان طغیانگران را بکشید که کید و حیلۀ آنها نهایتاً ضعیف است
 جنگی استقامتین حق و ناجق که در یک جهت آن دشمنان
 خلق مجبزه آخرین تکمیل سلاح و در جهت دیگر آن اراده آهنین
 نود و زحمتکش و دست پینه بسته کارگر و دهقان قرار گرفته است که هر چه
 بیشتر درانهدام مامی کوشند بیشتر در اتلا فی که خود بدست خود برای خویش
 فراهم آورده اید فروریزید و امروز هم صحنه کوچکی از این برخورد را در
 گوشه ای از سرزمین خود و در این دارگاه شاهدیم . دارگاهی که
 رئیس و داد یاران و دادستان وحشی و ظیفه ای جزایضای حکمی قبلاً
 تعیین شده راندند تا در آرزای آن ریزه خوار هستی باشند که از خون
 طغی ستدیده می نوشند و از مغز جوانان برای ضحاکان زمان فدای دل
 خواه تهیه نمایند و نیز برای آنانکه از آنسوی اقیانوسها ندان طمع خود
 را بر هستی ملت مافروبرده و ناوارگانهای قبل پیکرشان هر لحظه هزاران
 تن مواد خام مارا که دسترنج توده هاست بیخیالی بزنند . در این
 صحنه در یکطرفی جیره خواران صیتم وابسته به امپریالیسم جهانی
 قرار گرفته و درست دیگر آن جوانانی که هستی خود را به خلق می پیوندند
 و در اتلا شده که هر چه زودتر بدین خود را ببرد از نده و گرچه تا شاگردان و گواهان
 این صحنه جزیرا در سر بازنه است که شایسته خدمت نظام آورده اید و
 مسلسل بدستان داده اید و بی طمعتم که دلهای آنها با ما است چه

آنها نیز از خلق زحمتکش ما هستند و مطمئنم که در اینجانبان نیز فاتح اصلی ما ایم
 نه شما و بالاخره این ما ایم که رگبار مسلسل هایمان شمارا به خاک و خون
 خواهد کسید و از هر قطره خونمان هزاران جوان اسلحه بدست خواهد
 جوشید و قصرهای فرعونیی و سلطنت و ماکمیت در زمین شمارا درهم خواهد
 کوبید . حرکت تاریخ عالیترین گواه ماست . بدیهی است که چنین
 محیطی نه دارگاه است تا من به صلاحیت آن نظر در هم بندم در چنین
 محیطی هدف من دفاع است چه تمام اتهامات شما بر آقا ماهی^ی افتخار
 است . ما اصولاً سیستم شمارا فخری و غیر انسانی می شناسیم . بدیهی
 است که دارگاه شما و احضار دارگاهتان هم مدافعان و سرسپردگان
 چنین رژیم هستند که هدفی جز تشدد بدخفقان و تشدد بد استشارت ندارند
 در حالیکه هدف ما لاجرم هرگونه بهره کسی انسان از انسان است تا
 در روزی که این استعداد های انسانی هر انسانی را برای رسیدن
 به کمالات عالیتر هم نمون باشد . شما ما را بدلیل شرارت در چنین دارگاه^ی
 محاکمه می نمائید . شما ما را اشرار می نامید . برای یک سرور چیزی
 جز ضایع مادی مطرح نیست و بدیهی است که در سیستم شما در زمان
 وفاتگران و آنانکه دستهایشان بخون ملت آغشته است و دسترنج پدر
 زنان و دخترهایگان قالیباف و شره کارگران و دهقانان را برای عیاشیها
 و خوشگذرانیهای خود بهیچاصی برند و در مقامهای عدالت و حکومت نشسته اند
 یکمده جوانان پاک و ازجان گذشته را با بد اشرار می نامید . در نظر شما
 قهرمانان ملت و ازجان گذشتگانی چون شهدای سیاهک و آرمان خلق
 و مجاهدین خلق و اشرار محسوب میشوند و باید در دارگاههای
 نظامی در بسته محاکمه شوند ولی شما و طرفداران سیستم شما منو در زمان
 اموال و ناموس مردم آنها که باتنگه اربابان و سرمایه داران خارجی و
 به پشتیبانی آنها مردم را می چابند و جوانان مردم را زیر شکنجه های
 جلادانه خود می کشند . شرافتمندند . نجابت و انساندوستی از قیافه

نحوسشان می بارد . ما دلیل پاکی و شرافتمندی شمارا در قتل عام نیه
 خرداد ۴۲ و قبل از آن بر سر کوره یزخانه ها و همین اواخر در جاده کرج
 در کنار دسته جمعی کارگران جهان چیت دیدیم . اگر ما اشراریم
 کارگران شریف و توده ملت ایران ، آنانکه برای یک زندگی بخور و
 نصرازد م صبح تا غروب آفتاب طاقت فرسای کوشند که اشرار نیستند پس
 آنها را چرا به گلوله می بندید . اگر آنها که برای احقاق حقوق ملت
 ایران بپا خاسته اند اشرارند و باید سیمتم جاسوسی شعبه یابوری سازمان
 امنیت آنها را تهدید و شکنجه نماید ، ملت ایران که اشرار نیست پس این
 سایه نحوس حکومت پلیسی برای چیست ؟ بلکه واقع امر اینست که شما
 اشرارید نه ما و این مائیم که قیام کرده ایم تا سایه شما اشرار و فارتگران
 سرگرد نه را از سر طت کم کنیم و مطمئنم که اگر ما نتوانیم چنین هدف
 مقدسی دست یابیم برادران کوچکتر ما چنین خواهند کرد و بالاخره شما
 محکوم بزواید . معلوم است که شما نمایندگان اشرار صلاحیت مقام
 مقدس دادگاهی را ندارید و نمی توانید یکمده انقلابی را محاکمه کنید و
 اصولا چنین صحنه ای از زیر بنایش بی پایه است بلکه واقع اینست که
 شما خودتان برای ما با اصطلاح دادگاه تشکیل داده اید . وکیل گرفته
 حکم صادر میکنید و اجرا میکنید . تنها چیزی که ما از شما انتظار داریم عدالت
 است و ایمان داریم که ما بین ما و شما فقط اسلحه حاکم است و سر .
 بدین جهت ما با خونمان که برنده ترین سلاح ماست شمارا پای میز
 عدالت خواهیم کشید و محکوم خواهیم کرد .

با فراموش نکرده ایم که شما مجاهدین الجزایر و انقلابیون ویتنام
 و کوبا و اشیان فلسطین را نیز جزو خرابکاران و اشرار می نامیدید ولی شما
 موقع هم نوده ، مردم با همان ایمان با پطلان حرف شما می خندید
 و امروز هم چنین است . اگر شما نمی نرسید و معتقدید که واقعا دادگاهی
 تشکیل داده اید اگر جرئت دارید بدید همین ارعانه با اصطلاح

در استانان را اجرا بد خود شجاعان کند . آیا واقعا جرئت دارید ؟ باز
 بهترین دلیل مردم ایران به حرفتان اینست که با این همه جلال و جبروت
 که ایشان متوجه میاد اچند نفر محدود از توده مردم رابه دارگاههای فرما^{یش}
 راه دهید . آیا فری از طقت ایران جز چند سرباز نیزه بدست از دارگاه ۱۲
 نفر سباهکی یا دارگاههای اصال برادران سباهک و آرمای خلق اطلاع
 دارند ؟ این چندمین دارگاه مجاهدین خلق است ؟ فکرنی کم
 کسی غیر از ساواک و دادرسی ارتش و سازمانهای رژیم اطلاعی از آن دانسته
 باشند و این دلیل هم برای رد این صاآه کافی است که نه تنها دارگاه
 شما صلاحیتی ندارد بلکه نفس صاآه که ماتوسط شما بر قانونی است . قانونی
 که تحلی اراده طت است نه فرمایشات مغزهای پوک عروسکان مجالس
 فرمایشی شما . اگر شما از مردم و از داوری مردم نیی ترسید احتیاجی نبود که
 دارگاههایتان در زیر سر نیزه باشد . بله شما از مردم کوچه و بازار ترسید
 که مجبورید با اسکورت و مسلحان با مردم برخورد کنید . این ترس شما
 معلول چیست ؟ طت مادر بیرون تجربه روشن مبارزات هفتاد ساله انی بی
 برده است که باید حق خود را مسلحانه از عاصمین بگیرد و اگر چه همین
 مسلحانه بالفعل در محیط مادر حالت جوانی است ولی بالقوه دوران
 بلوغ آن رسیده است . قیامهای مختلف دهقانی و نیز اعتراضات کارگران
 و روشنفکران و برادران پیش مرگ سباهک نشانه اول قدرت شماست .
 اماده بر آن امروز سنسانان قوی شما در صحنه جهانی قدرت خود را از دست
 میدهند . امریالیم منصرانگیس با بحرانیهای مالی و جنبش حق طلبانه
 مردم ایرلند مواجه است و ریزندگان قهرمان جنبه آزاد بخش ملی و خنام
 امریالیم امریکارا در پیچیده ترین گره سیاسی و اقتصادی گرفتارن کرد ما^{ند}
 و حج انقلاب فلسطین در کشورهای عربی و انقلاب امریکای لائین و افریقا
 همه روشنگر این صاآه اند . در چنین موقعی در استانها و در بارهای
 واقعی توده ها هستند . دارگاههای در صحنه نمیتواند محکه عدل شناخته

شوند . من چنین دادگاهی را جزیک صحنه از شرارت رژیم نمدانم و نیازی هم نیست برای رد آن از قانون استفاده کم . قانون ما اراده نودفاست که در اسلحه انقلابی ضجلی میشود که نصمیم به انهدام شما گرفته است .

* والفجر - ولیل عشر - والشفع والوتر - واللیل ان ایسر - هل فی ذلک قسم لدی حجر - الم ترکیف فعل ریک بهاد - ارم ذات العمار -

الشی لم یخلق مثلها فی البلاد - وثور الذین جاها الفجر بالولد - و فرعون ذی الاتار - الذین طغوا فی البلاد - فاکتروا فیها الفسار - نصب علیهم ریک سوط عذاب - ان ریک لبالمصرار * (قرآن سوره فجر آیات ۱۱-۱۲) : به سپیده دم سوگند - سوگند به شیهای دهگانه به فردوجفت سوگند - به شب آنگاه که سیری میشود سوگند - آبادراین سوگندی است برای خورد شدن - آبادیدی که پروردگارتو با عار چه کرد ؟

با ارم دارنده بناهای رفیع - که مانندش در کشورها وجود نیامده بود - و با شور که در میان وادی صخره هارا میشکافتند - و ندیدی که پروردگار تو با فرعون چه کرد ؟ یا آنانکه در شهرها طغیان و دیکتاتوری کردند و در آن به فسار و تنهیکاری افزودند - پس خدا تا از یانه عذاب بر آنها فروریخت همانا که پروردگارتو در کمینگاه است * . ان ریک لبالمصرار .

دفاعیه :

ان الذین یقاتلون بانهم ظلموا وان اله علی نصرهم لقد یر (قرآن - سوره حج آیه ۲۹) : به آنها که ستم دیده اند اجازه و فرمان بیکار داده شد و خدا ابراری آنها همانا توانا تر است .

ما قبل نشان دادیم که شما اشرارید و ستمگرید زدان ناموس و احوال مردم و دلیل تسلطتان دسترنج کارگره دهقان و طبقات زحمتکش اجتماع راه چپاول و تاراج مورید . سیمتم شما و سیمتم پادشاهی تان برسیده ترین ستمهاست که عبرتاریخی آن بهر آده است . در چنین شرایطی ، طنی در نهایت فشار و سختی در انتظار طلوع آفتاب خویش

است و اراده‌اش را جزم میکند تا پایه‌های پوزالی سلطنت ۲۰۰ ساله را از کین نماید و در سایه مسزیم آهنینش سیستم ضرفی و دموکراتیکسی بسازد تا انبوه ملت بدون تمیص طبقه‌ای بر طبقه دیگر دوران سازندگی خود را شروع کند. فرمان خدا اینچنین است: " و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين " (قران سوره قصص آیه ۴) : اراده ما اینست که بر آنانکه تحت فشار قرار گرفته اند صفت بگذاریم و آنها را پیشوایان خلق و وارثین واقعی جهان قرار دهیم .

بنظر ما واید تلووزیمان . در شرایط فعلی این پیکار یعنی قیام سلحانه بر طبقه سیستم حاکم شاهنشاهی و طبقه انسانی هر فرد است و برای هر عنصر آگاه نعل و سمنی گناهی پس عظیم است .

چرا به انقلاب سلحانه معتقدیم ؟ ما جواب این سائل را در تاریخ ایران و شرایط جهانی و خصوصیت ویژه رژیم حاکم جستجو کردیم . ملت ما در حدود ۲۰ سال پیش تحت تأثیر انقلابهای روشنفکری جهانی ویداری ملت و تشدید استبداد دست به انقلاب عظیم مشروطیت زد که هدفهای آن عبارت بود از :

۱ - محو سیستم استبداد

۲ - ایجاد سیستم جدید که حقوق و عدالت اجتماعی یکسانی

را برای ملت با رمنان می آورد .

در سایه اراده آهنین مبارزین مشروطیت و مردان تاریخی بزرگی

چون ستارخان و بارانن و بیاری مجاهدین ، جنبش در مرحله اول با

موفقیت کامل مواجه شد و استبداد را مغلوب و قانون اساسی را که نسبت

به زمان قانونی بسیار ضرفی بود تثبیت کرد . نتیجه حرکت توده مردم

حاکمیت نمایندگان ملت در مجالس اول و دوم بود . ارتجاع و استعمار

حاکم در برابر چنین موقعیتی موضعگیری جدیدی نمود . در مراحل بعدی

ابتداءً از طریق مجالس و سپس با کودتای ۱۲۹۹ تجاوز مردم شروع شد .
 رضاخان که يك سرپا ز بیمواد ساده بود به سهپسالاری ارتقاء یافت .
 قهرارتجاع قیافه منحوس خود را نشان داد و تجاوز به حقوق مردم شروع شد
 و در اولین قدم قانونی که متجلی اراده ملت بود پایمال و سپس دوره
 استبداد شروع گردید . استبدادی که حتی پسر رضاخان هم تأیید میکند
 برگشت به استبداد قوی تر اولین نتیجه کودتای ۱۲۹۹ بود و در پشت
 پرده انگلستان که نتوانسته بود احد شاه را واداره اصحابی قرار داد
 تقسیم ایران نماید و علاوه بر آن قدرت و اراده ملت را در جنگهای تبریز
 و رشت دیده بود احساس خطر جدی میکرد . لذا لازم بود که حکومت
 مرکزی بظاهر قوی زمام امور را بدست گیرد . از طرف دیگر تاثير انقلاب اکبر
 بر مبارزه ایران تمایل بسیار ذات ایدئولوژی و سازمانی را تقویت می نمود .
 جنبش خیابانی در تبریز و مقاومت ۷ ساله میرزا کوچک خان جنبش ایران
 را مرحله به مرحله به عمیق تر شدن سوق میداد . نهضت بنگل از صورت
 اولیه خویش بشکل يك حکومت انقلابی بخود گرفت که تا قزوین و با بلسر
 پیش رفت و با آنکه در سایر انگلیس و بقای نیروهای روسیه تزاری ضربه
 سختی به نهضت زدند ولی تا سال ۱۳۰۰ شکل سازمانی آن که تهدید
 برای بهنگانگان و ارتجاع داخلی بشمار میرفت پابرجا بود . و نیز مبارزه دیگر
 در تهران به پیشواشی مرحوم مدرس در حال عمیق شدن بود . مجموعه
 این مسائل سبب شد که رضاخان در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی برسد
 ولی پادشاهی که پختوانه آن دولت بی رقیب انگلستان در ایران بود
 اولین اقدام حکومت جدید سرکوبی جنبش ، کستن و تهفید طپون بود
 مرحوم مدرس ، دکتر صدق ، فرخی یزدی ، . . . قربانیان جدیدی
 برای تجدید و تشدید حاکمیت انگلستان در ایران شدند .
 در اثر این تجاوز صریح به حقوق ملت بار دیگر انگیزه های اصلی مشروطیت
 یعنی مبارزه با استبداد و ایجاد يك سیستم عادلانه زنده شد و هنوز هم

همین انگیزه ها بصورت تکامل یافته ترش، انگیزه انقلابی بوده هاست بدین جهت معتقدیم که مبارزه بر علیه استبداد جزو وجود ملت ایران است.

نسخه کودتای ۱۲۹۹ و ستاورد هایش برای ملت ایران چیزی جز تشدد استثنای روحا کست انگلستان ببارنیاورد که بهترین قسمت آنرا شرح زیر خلاصه مینامیم:

الف - کوبیدن جنبش آزاد پخواهانه بدست رضاخان

ب - مسلح کردن ارتش و پلیس برای سرکوبی ملت و حفظ ضافع لوجی

ج - انگلستان که مجبور بود برای محافظت چاههای نفت مبالغ هنگفتی بعنوان

حق السکوت به عشا بر و افراد محلی منطقه جنوب بپردازد و علاوه امنیت لازم

رانیز محس نمیکردند الازم بود حکومتی امنیت را تامین نماید و حکومت کودتا بهترین

خدمت را با تشکیل ارتش مسلح خود انجام داد و با اشتهاء فرهنگ، صرف وسعت

کردن سنتهای ملی و مذهبی تلاش در فاسد کردن نسل جوان ماکرد. چه

این نسل در اثر پیشرفت زمان همواره بزرگترین دشمن دیکتاتور هاست و این

سیاست را مخصوصا در شهرستانهایی نظیر رشت که سابقه انقلابی داشتند توجه

داد.

د - قرارداد نفت ۱۹۳۳: جریان قرارداد از این قرار بود که شاه وقت در پی یک

مسافرت بجنوب شیر نفت را می بندد و سپس در اوقال کدالی مجلوس و نقی زاده

شروع میشود. در سالهای بعد وی اعلام کرد که او مصلوب الاراده بود و خیانت بزرگ

را به گردن رضاخان انداخت زیرا آن موقع مردم تنفر خود را از رضاشاه بصراحت بیان

میداشتند. علت اصلی واقعه ۱۹۳۳ این بود که انگلستان احتیاج با افزایش تولید

داشت و از طرفی قیمت نفت در بازار جهانی افزایش یافته بود. ایران طبق قرارداد

داری ۱۶٪ تولید را بعنوان حق مالکیت دریافت میکرد. انگلستان برای آنکه

با افزایش قیمت جهانی نفت مجبوره بود اخت پول بیشتری به ایران نماید قرارداد

جدیدی را تمیل کرد با اینصورت که ایران از هر بشکه ۲۰ سنت دریافت

کند بدون اینکه توجهی به سرصمودی قیمت نفت در جهان داشته

باشد. در صورتیکه طبق قرارداد قبلی با افزایش قیمت نفت سیایست برای

هرشک ۳۲ سنت به ایران می‌رسید و آنوقت افزایش قیمت نفت را از ۱۶ به ۲۰ سنت جشن گرفتند بدون اینکه نسبتاً بارادرنظر بگیرند و تبلیغات راه انداختند که به بزرگترین موقعیت تاریخی رسیده اند و علاوه بر این قرارداد ارسنی نیز تیدید شد ولی بعد از شهریور ۲۰ که تمام کفایتکار بهار شد معلوم شد که آقایان شیخ بهر از سرگشادش زده اند .

ه - ایجاد پشت جبهه در ایران برای ضربه زدن به اتحاد جماهیر شوروی و اشاعه فاشیسم در همین مابحنواں ایدئولوژی - کشیدن راه آهن سرتاسری بدون اینکه نیاز اقتصادی و نفی برای ملت داشته باشد و از همه مهمتر کوبیدن روحیه سلحشوری و ازین بردن روحیه مقاومت مردم که علاوه نتیجه آنرا در شهریور ۲۰ در تجاوز متفقین به ایران مشاهده کردیم . ما فراموش نکرده ایم که در جنگ بین الطل اول در جنوب ارتش انگلستان برای عبور از منطقه تنگستان شدیدترین ضربه را دید . مقاومت‌های چریکی جنوب بهنگام جنگ بین الطل اول و مقاومت توده مردم در هجوم ارتش روسیه نزاری به تبریز و ارتش عثمانی به رضائیه و کردستان نشان دهنده شجاعت واقعی و مقاومت در روحیه ملت ما بود ولی نتیجه دیکتاتوری ۲۰ ساله این بود که هیچکس برای دفاع از سیستم موجود برای خود وظیفه ای قابل نبود .

شهریور ۲۰ چه بود ؟ جنگ تجاوزکارانه فاشیسم آلمان تحول جدیدی بود که توازن قوای امپریالیستیهای آنروز را بهم زد و بالاجبار مبره های وابسته به آنها نیز چهارتزلزل شدند . دیکتاتوری ایران نیز پیشنهاد و واقعی خود را از دست داد و چون پایگاه توده ای نداشت و علاوه از نظر امپریالیسم انگلیس و متحدانش در چنین موقعی دیکتاتوری همیم که ناراضانقی توده را برانگیخته بود و بسکن بود مواجه با قیام های توده ای شود و نیز دلیل روحیه فاشیستی دیکتاتوری حکمت وقت که در فکر همکاری با فاشیسم آلمان بود او را در یک چشم بهم زدن معزول و سرنگ ارتش در تختند ! شاهنشاهی راشل و تخت

و تاج برپادرفت و بالاخره حاکم مطلق راه جزیره مورس فرستادند .
 توده مردم به علت ناراضی نه تنها اعتراض نمود بلکه از اینکه سیستم
 خفسقان . مختاری و یزشک احدی ازین رفته بود احساس خوشحالی
 میکردند . همان معاطه ای که امیرالیهیم سلط امریکا امروزی با چنانکامچک
 کرد " قاضیروایا اولی الیهمار " .

بعد از شهریور ۱۲۰۱ دوره ضعف حکومت و بروز تضادهای داخلی
 ارتجاع حاکم و ضعف امیرالیهیم جهانی که تازه از جنگ بیرون آمده بود
 باعث شد که ملت ایران برای احقاقی حقوقی باز برگزینام نماید . رشد
 جنبش دموکراتیک ملی بعد از شهریور ۱۲۰۱ و مبارزات ۳۲-۲۰ جنبه دفاع
 از قانون اساسی را داشت که آزادیهای دموکراتیک را احیاناً باید و ضمناً
 ادای دینی بود برای حفظ و نگهداری آنچه که ملت ایران بهیای
 خون مجاهدان کسب کرده بود . بزرگترین مدافع این حقوق جناب
 آقای دکتر محمد صدق رهبر ملی ایران بود .
 دکتر صدق نیز در مرحله نهائی بزرگترین متجاوزان به قانون را در بار
 تشخیص داد که وظیفه صده آن حفظ ضافع استشارگران انگلیس بود .
 وی به عنوان نماینده اول تهران در مجلس چهاردهم دفاع از حقوق
 ملت را بعهده گرفت . سیاست موازنه صلی صدق متروقی ترین و بیشترین
 تر صدق بود که از ایمان و عشق وی بملت و مبین الهام میگرفت . در
 تر صدق قطع نفوذ هراجنی مورد نظر بود و بطریق مرحله ای اعتقاد به از
 بین بردن کلیه نفوذ خارجی راتحقق می بخشید . دکتر صدق برخلاف
 سیستم فعلی متکی به توده ملت بود . او با آنکه تحت شدیدترین
 فشارهای بین الطلی امیرالیهیمتها قرار داشت بدلیل پشتیبانی توده ای
 موفق به ارزنده ترین خدماتی شد که در تاریخ ۵۰ ساله ایران می
 نظیر است . صدق در خاورمیانه پیشرو مبارزات ضد امیرالیهیمی شد و
 این افتخاری بود که ملت ایران در زمان پیشوائی دکتر صدق کسب کرد

اراده ملت پیروز قویترین استعمارحاکم راهبناک مالد . وی با سیاست
 موازنه ضعیف و قطع نفوذ و دخالت خارجی و احوال نظرهای آنها و سنس
 سفارتخانه انگلیس در ایران وطنی کردن نفت و خلع بد و استفاده از ذخایر
 ملی نشان داد که وقت ملی اراده کرده است که استقلال و آزادی خود
 را بدست گیرد ضرورت تاریخ است که در اراده وی منجلی گردد . امروز
 برای ما باید افتخار است که در خاورمیانه بخصوص کشورهای عربی ملت
 ما را بنام ملت مهدی می شناسند و جنبش های شرقیانه منطقه نیز مهدی
 را اصول مبارزات ضد امپریالیستی صرفی مینماید . در سال حکومت ملت
 شمره های با برتری برای ملت داشت . اضافه بر ملی کردن نفت و قطع
 نفوذ ایلادی خارجی و خلع بد و هر چه بد نفوذ سیاسی بزرگترین استعمار
 حاکم در ایران ملت به موفقیت های سیاسی و اقتصادی دیگری نائل
 آمد : شناسایی فاسدین صهیونیستی اسرائیل که پایگاه جدید امپریالیسم
 و بانفکرات صهیونیستی - امپریالیستی در منطقه بود پس گرفته شد .
 تصویب جبهه نفوذ البته بصورت طرح ماده واحد ۲۰ از حقوق
 ارباب و حذف بیگاری هاد در حالیکه جبهه اصلی مبارزه ، جبهه مبارزه
 با امپریالیسم انگلیس بود - ایجاد تعادل در صادرات و واردات برای اولین
 بار در ۲۰ سال گذشته - نگاه به توازن ارزی بدون نفت به منظور صرف
 در آمد نفتی برای عمران - تشویق صادرات و رشد اقتصادی بی سابقه
 واقعی نه آمارهای تخیلی و فرمائی - مبارزه با پاپای در حالیکه فعلا
 حتی با کشورهای سوسیالیستی بندرت چنین مبادلهائی انجام میگردد
 و با کشورهای امپریالیستی اغلب نسبت آن یک به ده است . آمار
 صادرات بهترین نمونه است . واردات از آلمان ۲۴۷ و صادرات ۳۹
 میلیون دلار - آمریکا ۲۱۷ میلیون دلار در برابر ۲۴ / ۲۱ میلیون دلار -
 انگلیس ۱۶۲ / ۷ میلیون دلار در برابر ۸۹ / ۸ میلیون دلار و بطور کلی اعتقاد
 باین تز که جبهه تشبیه استقلال سیاسی باید به استقلال اقتصادی متکی

بود. اضافه بر آن صدی در ادراک راهه موفق شد فریاد استعمارشوندگان را بگوش مردم دنیا برساند. وی نشان داد که امپریالیسم و استعمار انگلیس سالهای درازخون ملت را مکیده است و نیزه پلتهانشان داد که در همه حال میتوان با وحدت و مبارزه بر طبقه استعمارگران قیام کرد. در کشورهای جهان سوم معنی شناخته شدن مبارزات ملت در احقاق حقوق حقه خود مبارزه پیشروی در منطقه بود که ناشر آن بخصوص در کشورهای عربی مشهور گردید مثل مصر لبنان و عراق و سپس کشورهای دیگر عربی که از این حرکت ملت مابقی بهره نمایند. گرچه در منطقه هنوز جنبش مراحل نهی خود را نگذرانده ولی موفقیت های حاصله پشترآینده روشنی است. بهبوده نیست که ملت مارا در خارج ملت صدق شناخته اند. استعمار در آن هنگام نیز دست به توطئه هایی برای لوث کردن جنبش زد. استعمار میخواست صدق را در افکار عمومی شکست دهد و گرنه نیرو صدق مقاله سختی نبود جریانات ۲۳ تیر ۴۰ تیر سال ۳۱ و نظایر آن نمودار توطئه های استعمار انگلیس بود. از ۳۰ تیر سال ۳۱ بعد که کبه حربه های دشمن بدلیل پشتیبانی توده پلا انترماند و بخصوص بعد از آنکه صدق تصمیم به طی کردن ارتش گرفت و توطئه های بعدی یکی پس از دیگری شروع شد. قتل افشار طوس رئیس شهر یانی در کوه صدق و قضیه ۹ اسفند و کودتای ۲۲ هر یک جریاناتی برای سقوط حکومت ملی در کوه صدق بود. صدق در مرحله بعد که ضرورت تائید ملی را احساس میکرد اقدام به فراندوم کرد که نتیجه آن بدلیل روشن بودن هدف جنبش صد در صد بفتح صدق بود و توده مردم به اتفاق آراء از صدق پشتیبانی کردند. فراندوم آخرین نقشه امپریالیسم را نقش بر آب کرد. وحدت امپریالیسم آمریکا و انگلیس در کودتای ۲۲ کاملاً روشن تر ملاحظه شد. آندره تالی * این موفقیت را مرهون وحدت دو سیاست میداند. دکترین آیزنهاور این کودتا را با عنوان یک نقطه روشن و خدنی خاص برای امپریالیسم میداند که باعث تشویق منافع امپریالیسم

در منطقه ونفون امریکادر ایران شد . . . ایدن . نخست وزیر وقت انگلیس
 - مخاطرات خود یادآوری مینماید که وقتی خبر سقوط سعدی بمن رسید
 من در کنار ریای مد پترانه مشغول استراحت بودم و تنها آنشب بود که
 من بعد از مدتی خواب راحتی کردم . بده کودتای ۲۸ مرداد برای
 امیرالمهم امریکادانگلیس بزرگترین موفقیت بود که بدست یاری یک عده
 اراذل و اوباش تحقق پذیرفت . کودتایی که رکن اصلی آن خواهرشاه
 وهریمن و عواطف اجرائیش زاهدی و شعبان بی سخا بودند بمنوان ضربه
 اولیه فقط یک فقره چک ده طین دلاری از طرف سفارت امریکادر ایران
 پخش گردید تا ضایع چند طیاره دلاری امریزی را عاید ایالت متحده نماید
 نتیجه خدمات حکومت کودتا شرح زیواست که مضطانه است باینجه دو
 سال حکومت در کمره صدی مورد عقاب قرار گیرد :

۱- قرارداد کسرسیوم که علاوه بر تاسمین ضایع انگلستان پای کارتهای
 نفی آمریکائی و سایر کشورهای غربی را نیز ایران باز کرد و امریز شاه سفارت و
 چهارول آنهاستیم .

۲- ورود به پیمان تجاوزگرندار و سپس سننو .

۳- صرفی در آمد طی برای خرید اسلحه و سلاح کردن ارتش بصلاح تاسمین
 دندان که مادر کارش ۱۵ خرد از خونین دیده ایم .

۴- تاسمین ساوان وانگیزاسین عقاید که عمل شکنجه جوانان مارا بعهده
 گرفته است .

۵- گرفتن وامهای مد اوپاز غریب و مقروض کردن طت بکشورهای غربی بارحیهای
 کمرشکن .

۶- تجاوز حقوق طت و تبدیل مجلس طی به مجلس فرمایشی .

۷- تشدید فشار و خفقان و کت و کتار در کوره یزخانه ها .

۸- حطه بدانشگاه در اوایل بهمن .

۹- حطه بدرسه فیضیه قم در دوم فروردین ۱۳۰۲ .

« دستگیری مرجع تقلید حضرت آیت اله خمینی »

« کشتار خونین ۱۵ خرداد »

« تصویب مصوبت هدائی مشاوران نظامی امریکائی (کاپینولاسیون) و
امضای پردگی و بندگی ملت و بازگذاشتن دست يك عده عمال سیاه و
پنتاگون در ایران برای قتل وفات و چپاولی که ننگ آورترین قانون تصویبی
مجلس در دوران سلطنت پهلوی است »

« تبعید آیت اله خمینی به خارج از کشور »

« سلب آزادی و دستگیریهای مکرر و تشکیلی دادگاههای فرمایشی و اعدام
زندانی ساختن بسیاری از مبارزین کشور »

« بازگذاشتن دست سرمایه داران و چپاول گران خارجی از جسطه صهیونیست ها
جهت غارت و بهره کسی از نیروی انسانی ملت »

« تشدید استثمار خارجی و بهره کسی سرمایه داران داخلی وابسته »

« ایجاد محیط خفقان و ترور در سالهای اخیر و قتل آیت اله سعیدی و
مهندس نیک داودی و کشتار و شکجه برادران قهرمان و مبارزان از گروه
سیاهک * آرمان خلق و ... به سلسل بستن کارگران جهان جهت
و ... »

از نظر سیاست خارجی به عنوان نمونه : دخالت ایران در جنگ سپتامبر
اردن و کوییدن فدائیان فلسطین ، شرکت هواپیمای ایران در جنگ
ژوئن به پشتیبانی اسرائیل و تعلیم خلبانان و پرستاران اسرائیلی در
ایران - طرح دسیسه راجز که ایران نقش مهمی را برای پیاده کردن
آن بازی میکند و ...

اینها نمونه های بسیار کوچک از کارنامه سیاه سلطنت پهلوی است و شتی
از خسارها دسیسه و توطئه که در پشت پرده انجام میگردد و هنوز سلطنت ایران
از آنها اطلاعی ندارد . من برای نمونه از کارهای شفاف قط جریان نفت
را بطور خلاصه بررسی میکنم :

شاه درصافرت خود با امریکادریائوز سال ۱۸ گفت شما با ما سالی یک
 میلیارد دلار بدهید ما قبل بدهیم آخرین سنت آنرا از بازارهای شما کالا
 خریداری نمانیم ولی با تمام تلا شما نتوانست در سال ۱۸ به دلار یک
 میلیارد دلار دست یابد . مبارزه با کارتلهای نفتی برای افزایش قیمت
 نبود بلکه ایران در مرحله اول پول بیشتری خواست حال کسرسوم هر چه
 میخواهد استخراج نماید استخراج کند . مبلغ یک میلیارد دلار هم است
 نه استقلال در قبال نسلهای آینده و ملت که باید از ذخایر کشور بهره
 بهترین وضعی استظاف نماید . در آرد سال ۱۸ از نفت با تمام فعالیتها
 و تبلیغات آنها اندکی از ۹۰۰ میلیون دلار تجاوز کرد در حالیکه ایران از هر تن نفت
 فقط ۵/۳۸ دلار در آرد داشت یعنی ۱۵۲ میلیون تن تولید در قبال حدود
 ۹۰۰ میلیون دلار در حالیکه الجزایر در همان سال با ۱۰۰ میلیون تن تولید
 در حدود یک میلیارد دلار در آرد داشت در این مقامه ایران از هر تن نفت
 یک چهارم قیمت الجزایر را بدست میآورد . در سال ۱۹ دوباره همان شور
 و خفا بود و نظامهای هر چه بیشتر وجه نفتی بازگارد در آرد ایران طبق آنچه
 که در برنامه پنجماله برآورد شده بود نرسید . بعلاوه چون ایران سه
 اسکادران هواپیمای فانتوم خریداری میکرد لذا اصلا برنامه پنجماله هم
 یکسال تعطیل شد . مشکلات عالی رژیم شاه را وارد افشار بیشتر میکرد .
 شاه در جلسه شورای عالی اقتصاد اعلام داشت : در جنگ ژوئن و تیکه
 تمام کشورهای عربی نفت خود را بر روی غرب بستند ما چنین کاری نکردیم
 (خدمش را برخ میکند) و کارتلهای نفت را اما از ما تشکر میکنند و بلافاصله
 همه ها را با هواپیمای ایران آوردند و تولید نفت را به ۲/۹۲۰۰۰۰۰ بشکه در
 روز یعنی حدود ۱۵۰ میلیون تن در سال رسید ولی بلافاصله بعد از
 گرفتن شرطوم این آقایان تمام قبل و قرارها را فراموش کردند . . .
 ما خوب بخاطر داریم که در جنگ ژوئن الجزایر موفق شد قراردادى را بیک
 شرکت امریکائی تحصیل نماید که هنوز سنای امریکان قرارداد را از تریس شکستن

سدهای حق امتیاز برای تراستها و کارتهای نفتی تأیید نمودند. معنی مادر همان زمان هم به سازکارتهای نفتی رسیدیم بگفته شاه وقتی کارتهای نفتی نیازمندیشان به پیشتر است مطابق میل خود رفتار مینمایند و وقتی هم نیازمندیشان کم میشود باز مطابق میلشان رفتار میکند (معنی سیاست مستقل ملی را فهمیدیم) بعد شاه گفت اگر این آقایان (کارتهای) حق امتیاز دلخواه را بماندهند من فردا دستور میدهم نفت را ملی نمایند ولی هم شاه وهم کارتهای نفتی میفهمند که معنی این تهدید یعنی چه . اگر شاه میتواند نفت را ملی کند و قدرت چنین علی را دارد پس ملی نکردن نفت که خیانت بملکت است . بعلاوه ما معنی شرکت ملی نفت را هم فهمیدیم ! ولی باید دید اصل جریان چه بود : از سال ۶۰ تا ۷۰ فقط قیمت دلار در حدود ۴۲۷٪ تنزل واقعی داشته در حالیکه ظاهراً قیمت آن ۳۰ دلار برای یک انس طلا بود ولی در واقع طلا تا قیمت ۴۸ دلار خرید و فروش میشود . کارتهای برمیانی تقلیل ارزش دلار میخواستند قیمت نفت را در جهان افزایش دهند که سهمی هم از آن بتولید کنندگان میرسید . از طرف دیگر شرکت کشورهای شرقی نظیر الجزایر در اروپا و افشاکری هایش ایجاد میکرد که حکومتهایی نظیر ایران و عربستان موضع گیری جدیدی در مقابل کارتهای داشته باشند اینست که زمینه تخلیحات شروع میشود و در نهایت مبادا افزوده شده به قیمت نفت از قیمت تقلیل دلار در ده سال کمتر است ولی کارتهای نفتی به بیبانه افزایش چند سمنت به قیمت نفت توسط کشورهای تولید کننده چند دلار به قیمت نفت در کشورهای صرف کننده افزوده و مهمترینکه فقط ایران بایک قرارداد سری متعهد شد که در عرض پنجسال هیچگونه ادعائی در مقابل افزایش قیمت نفت در جهان را نمیتواند تقاضا کند و شاه رسماً اعلام کرد که اگر کشورهای دیگر اروپا در منطقه مدیترانه افزایش فوق العاده بخواهند ما ملزم به پشتیبانی آنها

نیستیم روزنامه های خارجی موفقیت کارتهای در مورد قرارداد ماده ای
سری را بزرگترین موفقیت کارتهای نفتی خواندند .

طبق گزارش سالانه بانک مرکزی وام خارجی در سال ۴۸ مبلغ ۲۲۰
طیون دلار بوده یعنی یک سوم ارزش موجود را از طریق وامها تامین
نموده بودید . آیا این خود بهترین دلیل پرورش کمتری اقتصادی
نیست ؟ البته این مبلغ علاوه بر وامهای سری است که صرف خرید
اسلحه میگردد که فقط یک نمونه کوچک آن وام ۲۰۰ طیون دلاری
از آمریکا برای خرید اسلحه بود آنها با آن روح سنگین و آن مدت کوتاه
که تازه در برابری آزادی و استقلال ملت ایران راهم بگروگان گذاشتند
(کاپیتولاسیون) . تو خود بخوان حدیث فصل از این مجل .
آری ، کارنامه سلطنت پهلوی را این چنین ارزیابی میکنم و برنامه
مشغول ! انقلاب سفید هم که احتیاجی به بحث ندارد زیرا قیامهای
دهقانی مختلف نظیر ده دوشه زنجان و فارت انبارگندم و والفقاریها
در تمام نمونه های آنست .

جنوب شهر تهران مسکن دهقانان با اصطلاح آزادی است که از ده
گریخته اند تا چرخهای صنایع وابسته خارجی را با حداقل دستمزد
بهرخانند . وضع جایکاران شمال نمونه بسیار جالبی است بیست سال
قبل یعنی در دوره اقتصاد بدون نفت در کمره صدی تمام باغهای توت شمال
و مزارع شمال تعطیل شد ولی حالا اغلب جایکاران مزارع خود را رها کرده
و از ترس نوب خواران و بانکها به شهرها گریخته اند بیپسوده نیست که
جمعیت تهران قبل آمار شد معنایه و کپوشنهای جنوب تهران و زلفه ها
را با افزایش است . بیکاری یکی از مشکلات عمده جامعه ماست .
اصلاحات ارضی چه یک کار ضد انگیزه ای چیزی نبود و لذا موفقیتی
نیز به همراه نداشت گرچه چند سالی دهقانان را مشغول کرد و ظاهر انقلاب

اجتماعی اصلی و اغلب انداخت ولی جبر تاریخ و زمان در این مورد نیز
 بزبان رژیم وارد عمل شد دهقان که ده سال قبل فقط یک ناراضی
 صبیحی را حس میکرد امروز دلیل و رشکستگی و فشار اقتصادی و آگاهی تاریخی
 به یک عنصر واقعی انقلاب تبدیل شده است بطوری که چهل درصد ساکنین
 دهات خوش نشین هستند و جالب اینکه شاه نیز در نطق خود خوش نشینها
 را پرازیت های اجتماع دهات نامید (شوری فدار افسانه هم فهمیده
 است) . دهقان امروز بدبختی خود را معلول رژیم میدانند زیرا تمام قدرت
 و اندام ریاست سرمایه داران احساس میکند در کت و صنعت که به یک
 سرمایه گذاری امریکائیست فقط بیست درصد اهالی بصورت زارع باقی
 میمانند و بقیه با آوارگی شهرستانها میشوند و بصورت کلگران کشاورز در میآیند
 از نتایج پرشور دیگر اصلاحات ارضی خشکیدن قناتهاست طبق آمار
 مشخصات اقتصادی از بیست هزار قنات سرشاری شده در سال ۳۶ دوازده
 عدد آن خشکیده اند و با توجه با اهمیت آب در کشاورزی ایران میتوان نتیجه
 این فاجعه را عرض باین کرد و به علاوه با استعمار شدیدی که در دهقانان
 بیشتر با فلاس و ورشکستگی افتادند و در این زمینه نیز بررسی وضع شرکت تهال
 روستائی و عمران دشت قزوین نمونه بسیار خوب است : عمران دشت قزوین
 با وام بانک بین الطلی بشرط شرکت اسرائیلیها براه افتاد دشت قزوین
 بهترین محل برای کارآموزی تکنسینهای اسرائیلی بود که در مرحله اول
 مقادیر متناسبی لوازم و ماشین آلات و لوازم بدکی اسرائیلی را بایران وارد
 کرد و سپس طرح آبیاری را شرکت محدود مهندسی مشاور تهال در سال ۴۳
 بعهده گرفت و تعداد مشاوران آن که در سال ۴۳ در حدود ۲۵ - ۲۰۰
 نفر بود در سال ۴۷ از ۷۰ نفر تجاوز کرد و دشت قزوین با چهار صد و پنجاه هزار
 هکتار زمین زراعتی در اختیار شرکت اسرائیلی قرار گرفت ولی تمامی اینها
 در مجموع حاصلی جز حقوقهای گزاف ۱۵۰۰ تا ۵۰۰۰ هزار دلاری برای
 تکنسینهای اسرائیلی و ۲۰۰۰۰ دلاری برای رئیس شرکت و نتیجه ای

برای زارعین عمراز مقروض کردن آنهاست . گزارش مکتبی سازمان عمراز نشان داد که عمراز دشت قزوین نتوانسته است سود ده باشد . یعنی علاوه بر بهم زدن وضع دهات مزارعی هم زیان روی دست ملت گذاشت نتیجه کار اینکه در سال ۴۹ حتی در محص جاهای جاهلی صحت را بدلیل عدم توانائی دهقانان در پرداخت اقساط بستند . طی کردن جنگها هم برای دهقان جزید یعنی شره ای نداشت او بجهت رسیدن سالیانه حلی آب بهر از او و محلاوه مکارزبانی از حیوانات اهلی را که سرزندگی او بود بدلیل عدم استفاده از مراتع از دست داد . امسال در جنوب ایران عناصر فراس در بدترین وضع زندگی قرار گرفتند . این مردان غیر که عمری با شرافت و سولفندی زندگی کرده اند در بهار سال گذشته در جاده کازرون - شیراز چشم انتظار دست مردم دوخته بودند . در سیستان در اثر کم بارانی بیش از ۱۸۰۰۰۰ نفر ترک خانمان کردند . واقعاً صحره است وقتی یک چاه صحتی با هزینه ۱۰۰۰۰۰ هزار تومان میتواند منطقه ای را آباد نماید ماهیاد بشیره کشاورزی و زراعت قرون وسطائی چشم انتظار گریه آسمان باشیم تا قطره آبی بر محصولات ما بفتاند . خجالت آور است که بگوئیم در زمانی که بشر در تسخیر آسمانها میکوشد هنوز سبتم ماننواسنه است مسئله آب راحل کند . انقلاب شما نمیتواند غیر از این شره ای دهد .

در موارد دیگر انقلاب شما باندازه کافی رفقا و دوستان من در ادگاهها صحبت کردند . مانند نتیجه پشتیبانی شما از کارگران در قتل عام آنها در مایم و گمان میکنم نیازی نیست در این باره خیلی صحبت نمایم در مورد انقلاب اداری شما هم که من همیشه شاهد آن بوده ام چیزی جز اضافه کردن تعداد کارمندان نبوده است . شهرواست که میگویند ناصرالدین سوزاشوری داشت که برایش ارضان آورده بودند و این شهروزی یک بوه جیره داشت و یک متصدی برای او در نظر گرفته شد بعد از مدتی متصدی ملاحظه کرد که

ابراری ندارد که مقداری از گوشت بره را برای سفره خود بردارد. البته
 بعد از چند روزه ریزانه يك ران بره را تصدی برای خود برمی داشت .
 مدتی گذشت در باربان دیدند شیر در حال ضعیف شدن است ولی
 چون تصدی راه کسی رفتن را خوب آموخته بود مردم لای تله نمودار
 بعد از کسبونها مقرر شد که يك ناظر هم برای شیر تعیین شود . بعد از چند
 روز شیربان که طعم گوشت زبردندانش بود بناظر پیشنهاد همکاری داد و
 نتیجه اینکه شیرباز هم لاغر تر شد تا بعد از ضرورت های متعدد چاره را
 بر آن دیدند که يك بازرس هم بر شیربان و ناظر اضافه شود . البته گوشت
 بره زبردندانهای آقای بازرس هم خوش طعم بود و شیرباز چاره بحال نزار
 افتاد . وقتی اعظم سلطنت از حل مسأله شیر عاجز ماندند نظری گفت
 چاره اینست که ناظر و بازرس را حذف کنید تا از گوشت بره روزی يك ران بیشتر
 نصیب خدمتگزاران شیر نباشد . انقلاب اداری شاهم چنین است .
 ده سال پیش وقتی اداره وارد میندی لاهل با پرداخت پول جانی می
 شد به جایی بر دولی امروز که در کرد و ورهای مرضی و طولی باید بی دلالت
 کارچای کن گنت نا آقای هدیرک بعد از هزاران ناز و مزه در زیر نامه
 اقدام نمود بنویسد برای گرفتن رونوشت شناسنامه بدون دادن ده ریال
 پول جانی باید در روز عتلاف باشی . انقلاب اداری با اصطلاح نوسازی
 بود . رژیم میخواست در روابط خود با جامعه گروههای واسطه را از اتصال
 نغز پاک کند ولی فاضل از اینکه پشت سر در زدن جز در زدن رجز خوانی
 نمیکند . در انقلاب اداری هم همان عوامل اصلی ارتقا و پارتی بازی نه
 تنها کم نشده بلکه ناظران و بازرسان شیران یکمکن آمدند . اشاره
 شاه با آوردن گک کاکوس و بعد انهای بسته شده داوطلبان مسافرت
 بار و با واسطه بهترین نمودار موفقیت انقلاب اداری بود . میندید که سیستم
 شما از حل مشکلات مردم عاجز است . همین چند روز پیش زلزله دهها هزار
 نفر از هم میهنان شرافتدارایی خانمان ساخت سه سال پیش زلزله

حراسان و ده سال پیش زلزله بوئین زهراد هبها هزار نفر از طت مارا بگام
 مرگ کشید . آيا زلزله هم بلای مخصوص کشور ما ست ؟ آيا زاین که هر
 صد ایز زلزله خیز جهان قرار ارد و بطور عام منبر چراتا بحال چنین گت
 و گشتاری براه نیلخته است . معلوم است در خانه های حنت و
 گلی که معلول . ده سال سلطنت پهلوی است مقاوتی در برابر حرکتها
 ولزتهای شدیدی زمین نخواهد داشت . در این ده سال چه کم
 داشتیم ؟ آیا بود اولیه و معادن و نیروی کار و اراده کارند انستیم ؟
 کشاورزانی تواند خانه ای را که اولین صورت زندگی اوست جز با
 خشت و گل بسازد . من در اغلب دهات ایران يك آجر ندیده ام .
 در زلزله بوئین زهراد در نطقهای بوسمت صد کیلومتر صد کیلومتر جز در خود
 بوئین زهراد بدت آجر خنده بچشم میخورد . منطقه قیر و گازین هم از
 این مورد مستثنی نیست . شما اگر سیستم صحیحی داشتید کمک میکرد
 که مردم از زمینسقیهای گل و خشت بیرون بیایند و بدون شك زمین لرزه
 قیر و گازین ده هزار نفر کشته به همراه نمیداشت مثل اولین طکی خوبست
 بجای اتك نصاب ریختن بفکر مردم باشند فستوال سینمایی در این
 شرایط بد مانس خورد آيا ما فقط از تمدن همین یکی را کرد انستیم که
 مقامات طکی ما کشایند فستوال سینمایی باشند یا والیهال و فوتبال
 و نوار سه رنگ افتتاح و کنگ طلایی و طلا گرانها . خرجهایی که برای
 جنبشها کردید میتوانست برای نوده عظیم دهها تان ما خانه ای بسازد
 که نه تنها زلزله بر آن کارگر نباشد بلکه او را از گزند سرما و گرما نکه دارد .
 در مورد سیاست صنعت ملی تان من فقط بیک نمونه اشاره
 میکنم در جلسه شورای اقتصاد در پیش شاه (جلد اول گزارش حدود
 صفحه ۱۶) وزیر آبادانی وسکن که امروز رئیس دانشگاه تهران است
 در مورد خانه های کوی کن صحبت میکند شاه دستور میدهد از این خانها
 در اختیار افسران ارتش قرار دهد . در جلسه بعد وزیر آبادانی وسکن

میگوید در مورد خانه های کوی کن مشاوران آمریکائی صحبتند اعلام کردند ایرادی ندارد افسران میتوانند از این خانه ها استفاده نمایند . سیاست مستقل طی یعنی اینکه دستور شاه که طاهر فرمانده بزرگ ارتشستاران محسوب میشود برای اجرا باید با رضای مشاوران آمریکائی رسیده باشد . البته همان مشاورانی که قبلا اشاره رفت و برای صونیت قضائی آنها آیت^۱ خمینی رهبر طی و مذهبی ایران را که مدافع منافع توده ها بود بطور غیر قانونی تبعید کردند و سپس چند سال بعد بنا^{طری} سرمایه دارانش آیت اله سعیدی را به دلیل اعتراض پسرهایه گذاری آنها و چهاریل طلت ایران در زیر شکنجه شهید کردند واقعا اگر مستقل بودن سیاست رژیم شاه کسی شك کند در طی بودنش تردیدی نمیشود کرد ! هم مستقل است هم طی ! دلایل جنابنهای بی حساب رژیم است . باید طلت اصلی بدبختیهای طلت را در جای دیگر جستجو کرد و ما آنرا در سیستم حاکم وابسته به امپریالیسم جهانی میشناسیم . با يك مقامه عینی ما بین ۵۰ سال سلطنت پهلوی و ۲۰ سال حکومت خلق چین و ۱۰ سال حکومت کوبا و الجزایر باین نتیجه میرسیم که سیستم حکومتی شماسیستی پوسیده است که عمر تاریخی آن نوز سالها است سرآمده . مدافعان این سیستم برای زنده نگهداشتن آن بجای عطیات عمرانی و تولیدی مجبورند بهت میلیاردر فرانك پول برای يك جشن صرف کنند تا بظلمی باشد از يك متدکینه و قدیمی . از سیستم پادشاهی امروز فقط بدلیل پادشاه داشتن زنبور عسل و مورچهها و ماهیها میتوان دفاع کرد و گرنه هیچ عقل سلیمی اورانی پذیرد . شما از کجا میدانید پسر پادشاه هم فرد عاقلی است که تبعیت از اورا ضروری می دانید . بدین جهت دفاع از سلطنت موروثی . ارتجایی و دفاعی پوسیده است . مواد ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون شما از همین دیدگاه از نظر ما مطرود است . طلت ایران ملزم نیست از يك فکر ارتجایی تبعیت

نباید . این قوانین اصولاً معلول حکومت دیکتاتوری است و برای ملت
 مورد قبول نمیباشد . نفس نکابل ایجاب میکند که هر چه پرسیده است
 در برانداخته شود . اگر سیستم شطرنجی شرقی است چه نرسی از
 توطئه و تحریر مردم بهیام صلحانه دارید . مگر در محیطی که حقوق
 مردم بحق برداخته شود مردم دیوانه اند که اسلحه بدست بگیرند .
 اسلحه برای ما وسیله دفاع از شرافت انسان است . کارگروقتی اسلحه
 بدست میگیرد که بشرافت وی که کار او و حیوات اوست تجاوز شود . مانع
 برای دفاع از جان و مال و ناحب مردم اسلحه بدست گرفته ایم . یک
 عده تحصیل کرده و روشنفکرانه سادیسیم دارند و نه دزد سرگردانه اند که
 اسلحه بدست بگیرند . مگر برادران سیاهک ما بهترین و پاکترین جوانان
 جامعه نبودند شما با تمام تلاشتان نتوانستید در این صد و هفتاد نفر گروه
 مافردی که از نظر اخلاقی و انسانی دارای عالیترین مزایای اخلاقی
 نباشند پیدا کنید . ما با این جهت سلاح بدست گرفتیم که شرافت اجتماعی
 جامعه خودمان را در خطر تهدید دزدان سرگردانه دیده ایم که با
 دست باز و بیستمانی امریالیزم امریکا با چراغ بدزدی آمده اند . شما
 را بجرم شرارت سزا می کنید . مگر تاریخ اولین بار است که تفاوت می
 نباید . همه سنگران و تجاوزگران نیروی حق را همواره بشرافت منتسب
 کرده اند . از قیام نوح و اسارتناکوس تا قیام حسین بن علی و جنبشهای
 شرقی امروزی همیشه مورد تهنیت سنگران بودند . ولی آیا این سیستم
 شاهنشاهی شرافت که دستبر کارگروقتی همان را بتاراج میرد یا ما ؟ آیا
 شاهنشاهی که مردم را بگوله می بندد یا ما ؟ این شاهنشاهی که نیمه
 شب بسان راهزنان مسلح به خانه مردم میریزد و جوانان آنان را میرد یا ما
 و اموالشان را ضبط می نماید یا ما ؟ در کدام قانون قبل از اثبات مجرمیت
 افراد ، اموال آنها را صادر کرده اند که شما می کنید . حکومتیهای طب
 مانده شیخ نشینان نیز این چنین با مردم رفتار میکنند . اگر سیستم

شاهنشاهی شهابی و جمله شرارت می چسباند خود نمایند و اشرار است
 دلیل شرارت آن تجاوز به مال و جانوس طت است . این وظیفه ماست
 که در مقابل مأمورین صلح شاکه و امان اشرارند صلحانه ملاحظه
 نعلیم . چنین حلی نه تنها خود دلیل اعلامیه جهانی حقوق بشر است
 بلکه نص قانون اساسی هم چنین است . پس آقایان ملاحظه می
 و اشرار نیستیم بلکه این سیستم پادشاهی و عناصر این سیستم هستند
 که توطئه کت و کشتار طت را کرده اند و هم اوست که شرارت میکند و
 برای این شرارتش بانکها و سرمایه ها و کارخانه ها را با استفاده ام دارد .
 این شرارت نداشت که دسترنج رنج بران طت مارا به شما میبرد و دیگر
 اسلحه برای احیای شرارت طی مان خریداری و حمل میکند چه در
 و گرنه دست توانای کارگزاران حاکمین را به هر خانه و تولید را افزایش دهد
 شهابی اتهام قاچاق می چسباند . اگر خرید اسلحه برای دفاع قاچاق
 محسوب شود پس خود شاکه باند خرید و فروش هرولین دارد و بعد انهای
 هرولینتان را پلیس بین المللی در فرودگاه ضبط میکند پس چه کار دارد
 اگر قاچاقی نیستند؟ صلح بودن اقتضای نداشت زیرا برای تامین شرارت
 و برای طت است که جوانان مان را گرد دست هرولین و آل اس دی که
 سرخ آن بدست نداشت تهدید بنام می میکند . آیا اسلحه داشتن
 برای ماک هدفان دفاع از حقوق مردم است جرم است ولی شاکه
 اینکه سلاح نظامی و خانوم و تانک ام ۶۰ و هفتون و مسلسل میخورد
 بدون اینکه طت مابین رضایت دهد . شاکه از راه های مارا تحویل
 کمانهای اسلحه سازان پنتاگون میدهد و برایگان در اختیار دولت
 صهیونیستی اسرائیل قرار میدهد تا خطمانهایش بعد از آموزش در پایگاه
 در فیل بگت و کشتار برادران فلسطینی ما بهر ازند مجرم نیستند؟ آری
 اسلحه شرارت ماست . ما آنرا بهر نحوه از طریق قاچاق یا صادره از
 دست ضلوعب ها میخریم گرفت و نارمانیک طت ما از خود شاکه میمانان

شماره است ماسلاخ خود را زمین نخواهیم گذاشت و از خود دور نخواهیم کرد. تا زمانیکه سیستم پوسیده سلطنتی حاکم است و استعمار طبقه ای از طبقه دیگر وجود دارد ما راهی جز توسل به سلسل نداریم. شما ما را جاهل مینامید. بله ما برای رفع نیازهای سیاسی خودمان در جهت تامین منافع خلق شناسنامه تصویر میگردیم و صادرات آب خوردن هم به صادرات شمارا جعل میگردیم تا بعدی که ما همین متخصص شغلی توانستند تشخیص دهند ولی گویه این اعمال برای نجات ملت از قید استعمار نیست. اما شما که در عرض یکسال پانصد طومون تومان یعنی یک دهم موجودی ارزی ایران اسکناس چاپ کرده اید بدون اینکه پشتوانهای داشته باشد جاهل نیستید؟ اگر جعل ماسله ای برای رسیدن به هدف و خدمت به توده است. جعل ششصد و بیست و پنج تومان را می کند. وقتی طبق آمار رسمی شمار سال ۱۹ نیم میلیارد تومان پول چاپ میکنند بدون آنکه پشتوانه آنها داشته باشید. بدیهی است که در قبال پنج میلیارد تومان اسکناس در گردش. شما از هر واحد پول یک دهم آنها در بریده اید زیرا اجاره پولی تابع قانون اقتصادی پول و کالا یا عرضه کالا و تقاضای پولی است. روشن است که در این مبادله بر قیمت واقعی کالا اضافه نشده چه مدارک و محتوی کالا ثابت است بلکه ایس ارزش پول است که کم شده نتیجه اینکه با پائین رفتن قدرت خرید پول قدرت خرید کارگرنیز تقلیل میابد. بهبود نیست که شما امروز میخواهید واحد پول را تغییر داده و آنرا به تومان تبدیل نمائید. دیگر واحد ریال برای مردم خنده آورده شده است. زیرا در عرض بیست سال اخیر سلطنت پهلوی به دری پول بدون پشتوانه چاپ شده که بطور طبیعی ارزش پول را پائین آورده است. جالبین این پولها چه کسانی هستند جز هانک مرکزی و سیستم شاهنشاهی؟ میبینید آقایان! این سیستم شاهنشاهی نیست که ملکت ما را بفساد و تباهی میکشاند.

« ان الطوك اذا دخل قريه المد وها وجعلوا العزقا عليها ان لقره كلك
 يفعلون (قرآن سوره نمل آیه ۲۴) : پادشاهان چون به شهری
 در آیند فساد کنند و افتخارات آنها را تهاه سازند . منی تاریخی آنها
 چنین است - بتاریخ خودمان بنگرید جشن ۲۵۰۰ ساله من گوید
 و پادشاهان باستانی و شاهان ، کدام شاه ؟ تازیانه به دریا زدن که
 جشن منی خواهد . مگر شایه بزرگترین امپراطور شمان بود که کف انسانها
 را صواخ میگرد . پادشاه عادلان يك شبه ۱۰۰۰۰ آزادیخواه رازنده
 بگرم بود . مگر فراموش کرده ایم که آقا محمد خان آجار کومان راه شهر
 کوران تبدیل کرد . عزت و جبروت پادشاهان تاریخی خود را خوب مشاهده
 کرد .

به بحث اصلی برمیگردم . تاریخ نشان داد که طت مادر این
 . ۵ ساله اخیر چهار يك سیستم پیوسته دیکتاتوری شاهنشاهی شده
 است و این سیستم برای بقای خودش به دلیل عدم پشتیبانی توده ها
 دست به اسلحه برده و پاتشان دادن آتش سلاحتی به طت او را به
 زنجیر گسیخته است . طت مادر گذرگاههای تاریخی اش بارها طعم این
 سلاح هارا چشیده است و مجموع این برخورد هانشان داده که اونیز
 راهی جز توسل به اسلحه ندارد . طت به بهترین وضعی می برده
 است که سیستم حاکم قدرت حل مسالمت آمیزانه دارد بلکه عامل اصلی
 بدبختی اوست و در روشنی نچرید کرده است که دشمن با تمام نیروی
 ظاهریش جزیه سرنیزه خارجی ملکی نیست که دوام آن نیز همیشگی
 منی باشد . بعلاوه جنبش و مقام ، کجا ، الجزایر و فلسطین راه جدید
 اورانشان داده است . لذا وقتی امپدوی در طول تاریخ . ۵ ساله از
 هرگونه راه حل اصلاحی برده میشود راه حل صلحانه بگوشی صلح
 میگرد . امروزه تنهاتت مایلکه تمام جهان سوم در تب انقلاب
 صلحانه ضد امپریالیستی است . هدی روشن این انقلاب جهانی .

ناپودی کامل استشارگران قریب بیستم است که به تاریخ خطبای ویتنام
 فلسطین، آمریکا، آسیای میانه، لاتین و انگلیز پیوسته اند. نظامی
 و غیر نظامی رایگان و خانه و زمین و رایگانیت به آن میگویند. این
 وظیفه است که خون ناپویان را برای باروری این نسل بسازد
 تا هم نسل و وطن بسازد. نیست که طاعت با انقلابیونی و انقلابیونی بسازد
 می پذیرد زیرا خدا با او است. خود را شناخته اند و نیازش خود را
 در خون این جوانان می بینند. این ایمان است که همانطور که
 گروه پیشروان بزرگ را بسازد که خواب راحت می پذیرد و در فردای ما
 طاعت مانع از این برشود که با هر که خواهد بود. خلاصه کم.
 در پییم که اول شما اشرارید نه ما. قاتل بیست و پانزده سلطنتی در آن
 تاریخی خود را گذرانده و بیجا محاکمه است و این وظیفه است که با
 اراده خود با تاریخ خود مانع از محاکمه آنرا تسبیح نماند. شما
 بر خود ما و شما بر خود حیات و هر گاه است با شما با ما با ما. بنا بر
 اصل نگاه جهان و صورت تاریخ چنین انقلابی خلق میسازد
 شد. مرگ با حیات با هر دو میسوزد است. ما با خونمان میسوزد را
 خرد. ایم " الموت فی حیاتکم طهرین و الحیاة فی حنکم قهرین"
 (از سخنان علی ع) : مرگ در آنگونه زندگی است که شرط مغلوب
 باشد و زندگی در آن مرگی است که غالب باشد. شما هر چه بگوئید
 هر وقت و طرح و توطئه بریزید. موافقت ما با شماست. " فی حیل
 ترصون بنا لا احدی الحسنین و نحن نقوی بکم ان یسبکم الله بعد اب
 بن عده ایما یدینا فترصوا لنا حکم ترصون " (قرآن سوره توبه آیه ۵۴)
 آیا برای ما یکی بود و یکی (شهادت با پیوستگی) را انتظار دارید؟ ما
 نیز منتظریم که خدای از طرفی خدا ایما ید است ما با شما برید. انتظار کنید
 که ما هم منتظریم. به ما با هر که سلسله ایمان منتظرند ایم و شما هم
 دستور دهید تا جلادان و نیکبده گرانمان منتظر ما باشند تا بیست و یکمین

کمست و دروغگوئی شرور چیست ؟

ولی چرا انقلاب سلحانه تنه‌اراه نجات ماست ؟ مابده انقلاب چگونه می نگرم ؟ : از نظر اقتصادی ما معتقدیم که توسعه تولید جز با بسیج توده ای عظیم غیر ممکن است . بدین معنی که نامردم نیروی واقعی خود را برای تولید استخدام ننمایند حتی مکانیز کردن سیستم تولید هم نمی تواند پاسخگوی احتیاج جامعه باشد و علاوه رفع نیاز تولیدی جامعه نمی تواند مسیر واقعی خود را که استفاده صحیح از نیروی انسانی و شکوفان کردن کامل استعداد های اوست تحقق بخشند تا محیط ایدآلی که عدالت انسانی را از نظر مادی و معنوی تامین نماید بوجود آید و شریک شناخت صحیح و تبیین واقعی جهان ، خلاق جهان نویسی باشد که پاسخگوی نیازهای عالی درونی اوست . طی طریق این کمال نیازمند حرکت کامل توده است . جنبش و حرکتی که اندیشه انسان آفرین سازد . چنین بسیج و حرکتی به دو عامل مهم متکی است .

۱ - تخییر درون انسان و خلق روحیه انقلاب بر مبنای آن اله لایخیر ما بقوم حتی یخیروا ما بانفسهم * (قرآن سوره رده آیه ۱۲) :

حرکت و تخییری در جامعه ممکن نیست مگر اینکه این تخییر و حرکت از درون خود انسانها نشاء بگیرد و ایجاد حس مسئولیت در قبال انسانهای دیگر و نسلهای بعدی . این دگرگونی در درون شورخداست بخلق را که منظور خالق است زنده مینماید و حیات انسان ارزش واقعی میدهد و فرد را از پوسته خود خواهی و خود پرستی که امروز حاکم بر سیستم شجاست می رهااند و اصل * هرکس برای همه همه برای هرکس * را تحقق می بخشد

۲ - حرکت و بسیج توده باید در جهت منافع توده باشد نه در جهت تامین منافع طبقه یا گروهی خاص و بر مابده داروخارتگر چه در غیر اینصورت حتی توده بسیج شده بیشتر استعمار میگردد .

حال ما تنه‌اراه تحقق هر دو اصل را فقط در انقلاب سلحانه می بینیم

زیرا وقتی که دشمن به جهروصف نیروی کارگروه حقان راه استفاده
 خود را آورد و امکان بهره برداری از دستنویج کارگروهی دهد .
 وقتی که سیستم سرمایه داری برای دفاع از بهره کس و نخبه‌پران را
 بگلوله می بندد چاره ای جز این نیست مگر اینکه ما هم با اسلحه این
 دزدان ریزش را خلع سلاح کنیم و دیگر اینکه سنت های پوسیده و
 آلودگیها و وابستگیهای غیر انسانی را قطع کنیم حرکت انقلابی میتوان
 در گون ساخت . فقط يك جامعه انقلابی میتواند انحطاط های
 اخلاقی راه فضایل و انحرافات را به تعالی اخلاقی بدل سازد و
 نتیجه زمینای اقتصادی جامعه ما را مستحکم نماید .
 طبقات مستعبد شده ملت ما از سه دیدگاه به تئوری انقلاب
 مسلحانه رسیده اند : اول نمودهای تاریخی و تحلیلی گذشته هادر
 ذهن مردم می نتیجه مانند مبارزات رومیزی از يك طرف و تاثیر
 انقلابات آزاد بیخس نظریه‌پندار و مخصوص فلسطین در ایران از طرف
 دیگر ملت ما را مطمئن ساخت که راهی جز توسل به اسلحه نیست .
 ثانیاً وقتی کارگروهی حتمکس برای احقاق حقوق خودش قیام می نماید
 پامس و ساواک و مانند ارم رژیم راپشت سر سرمایه دار بهره کس میزند و
 وقتی طاقت نمیناید گلوله سلسلهای امریکائی بدست عمل رژیم
 سینه اش را میشکافد . پس برای اواحقاق حقوقش به اجبار درانهدام
 رژیم تجلی مینماید . نعره‌های کوروقیامهای صنفی بدین طریق
 تبدیل به آمادگی میشود . ملت ما در پرتو سه سال مبارزه و فدائیس
 دارن هاین مرحله مشک را از انقلاب راطی کرده است و در روشنی
 تجربه اش دریافته که تا آن هنگام که نیروی رژیم در پشت سرمایه داران
 بهره کسان است و تا وقتی که نمایندگان و مدافعین منافع سرمایه
 داران و سرسوردگان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکایی حکومت
 می نمایند لونی تواند از کار خودش برای خود خلق خود استفاده نماید و

در نهایت جزاین چاره ای ندارد که اصلحه بدست گیرد و با پیشرو
 زمان انقلابش هم آهنگ شود و آنگاه بنیاد جامعه کهنه را در گون سازد
 ثانیاً تبصیر ها برای وی کاملاً مشخص میشود . وقتی با فقر خود
 می اندیشد آنرا در شورت استثمارگران می باید . نان خالی مورد نیاز
 او را توانگران و سرمایه داران ، بی اعتنا لگ مال میکنند و منزل مسکونی
 مورد نیازش را از لانه سگهای همبازی ثروتمندان کوچکتری بپندد . نسبه .
 اصولاً او را از خانه خود بیرون کرده و آواره نموده اند تا فرزندان آنان در
 جای وسیعتری بدوند و بازی کنند . شیوه جان و خونشان را مکتوبه اند
 تا از باره غرور بستی بی هوش شوند و هر چه کنند . سرمایه دار و ثروتمندان
 را در بهترین بیلاقیها و کاخهای عیاشی می بیند ولی او در زلفه های جنوب
 شهر فرزندانش را می بیند که از فقره فساد کشیده شده اند . تبصیرها
 در مقامیسه کاخهای چند میلیون تومانی شمال شهر و اینکه اونصیتواند اجاره
 چند ده تومانی خود را بپردازد . در مقامیسه در آمد کلان خیالی ها .
 ثابت پاسال ها ، شریف امامی ها ، ارباب ها ، فرمانفرمانیها ، صاحبها
 نراقی ها . . . باقرضهای اوبه بقال و بطار و سرمدل و صاحبخانه و . . .
 ضجلی میشود .

بله اینچنین است که فقر و بدبختی . انقلاب را می زایاند و این
 چنین است که می بینیم امروزه شعله های انقلاب از کسورهای فقیر
 و از طبقات مستعبده اجتماع بر طبقه مستمکران و ثروتمندان در هر گوشه جهان
 مشتعل است . توده های گریسته و فقیر قیام کرده اند تا سیستم های
 پوسیده را در گون سازند و جامعه ای بر مبنای برادری و برابری بچنان
 گذارند که در آن همه بر بنیان باشند و همه کس برای هر کس بکوشد . وجدان انسان و
 اعتقاداتش به انسانیت پختوانه حرکت وی باشد . نه نیازمندی باشد
 تا دست نیازه دیگری بگشاید و نه توانگر بر دسترنج دیگران تسلط یابد .
 باین صورت است که طت ماهه اید و لولوی انقلاب ایمان آورده است .

• اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الہ علی نصرهم لہ (قرآن سوره حج آیه ۲۹) : یگان که سنی بر آنها رفته است اجازه و فرمان بیکار داده شد و بعد از پیروزی آنها به تحقیق تواناست .

درک سیاسی و فرهنگی جامعه با انقلاب در همین یکسال اخیر بعد از نهضت برادران سیهک مابین و همین بالا آمده است و منظم که با نهضت سربازان سازمان مجاهدین خلق . انقلاب در جامعه ما و قویترین تر خواهد شد تا پایه های حکومت دموکراتیک ملی خود را مستحکم سازد . با تمام تلاشها و کوششها حمله هایتان نقش بر آب خواهد شد . مهم بکوهن کوه - واکه کوه - فصل الکافرسین اصلهم و (قرآن سوره طاری آیات ۱۷-۱۵) : همانا ایشان نیزنگ میزند . نیزنگ هر چه تاثر - ولی من هم بدانسان نیزنگ خواهم زد - پس مهلت ده کاران راهبک اندکی .

از نظر اقتصادی زمینهای گیه ناپسایمانیها معلول استشارت های از طبقه دیگر بهره کسی انسان است . ما معتقدیم که هیچ چیز در جهان ارزش واقعی ندارد مگر حیات انسانی . و انسان حیات خود را در کار تولیدی به کالا منتقل میسازد . بدین معنی مگر آری از معنی خود را از دست میدهد و انرژی و هوش تلف میشود و بجای قدرت کارش حاصل میگردد تا کالا رونق میگیرد صاحب ارزش میگردد و به خرید ابروفه میشود . اینست که تمام ارزشها به اعتبار کار انسانی ارزشمندند و ارزش کالا معادل حیات انسانی است که در کالا متمرکز گشته است . انسان صاحب و مالک وجود خویش است پس بر حیات خویش باید ناظر و مالک باشد . پس خلاف شمس را به داران که کالا را جادو و بیجان می انگارند مادر هر قطعه تولیدی وجود حیات انسانی را ضایع میکنند . شما اگر مالی دستهای زمینایان بصورت یک کالا به نقاشی بی جان منگرید ولی مادر لای تاریخ آن رنگهای زمین را بخون کارگر و دختر جوان را دیده ایم . نقش و

نگارها از دیدگاه صاحب حیات انسانی هستند. بلکه انسان مکار
از وجود و هستی خویش را در ماده خام موجود طبیعت متمرکز میسازد و
بهمان اندازه که بازش کالا میافزاید حیات خودش را از دست میدهد
این است که تولید بشرو کارشوری جز وجود اوست و هیچکس را حق پس
آن نیست. هیچ وجه قبول نداریم که بهره کار را دیگری تسلط
نماید (فجنات ابدیهیم لایکون بخیرا فراهیم) : از سخنان حضرت
علی (ع) : چیده های دست مردم برای دهنهای دیگران نیست.
این اصل زمینهای تفکرات اقتصادی ماست که بر مبنای ایدئولوژی اسلامی
مان و اصالت فرد و اجتماع آنرا پایه عادلانه صحیح میدانیم و بر این مبنای
سیستمی مورد قبول است که امکان استفاده از نیروی کار خود انسان را
بنا بر تخصیص دهد. سیستم شاهد لیل زمینهای سرمایه دارین
از این دیدگاه سیستم ارتجاعی است و وابسته به طغیان صمم هستیم
تاشک فرهنگی و اقتصادی یعنی رونای شاهنشاهی و زمینهای روابط
تولیدش را تغییر دهیم. از دیدگاه اقتصادی روابط فرهنگی و اجتماع
مکن بهمان زمینهای استشاری است برای دگرگونی فرهنگ و معیشت
و بدبختی ملت جز اینکه بر طبقه استثمارگران قیام کرد چاره ای نیست.
برخلاف سیستمهای شام که فرماندهان ثروتمند ستاورد های ملت
را به خصام میرند و برای یک شب نشینی و جشن میلیارد ها تومان در آمد ملی
را صرف نمایند و نه گرمای تابستان را میشناسند و نه سرمای زمستان و
دستان جز گنگ طلائی افتتاح ساختمان چندین طبقه و قوی نوار
بری و ابزار تولیدی را لمس نکرده است.

در سیستم مورد نظر ما به پیروی از مدل ها و نمونه های تاریخی مان علی
را میبینیم که با دست پینه بسته اش برای ارتزاقی خود به غرس نخل
میپرد از دست خود چاه میکند و درخت آبیاری مینماید یعنی بالاترین
فرد جامعه در کار تولیدی نظیر ساده ترین شان فعالیت میکند و همین حال

نزدیک در افسی نظلمتگینی مودی گویند بخوابد آرام و قراره اردو و سیا
 بدلیل تجاوز سرای به زن نومی که در نجات مصلوبت حکمت طی است
 آسان دگرگین میشود که برای خود مرگ را آرزوییکه میکند: " شو ان
 امره سلطانات من به عدالتک ماکان به طوبایل کان به عندی جدیرا"
 اگرچنانچه سلطان در کائنات این صفاه پیورده تنهادر اویلاقی نیست
 بلکه در پیش من عدل اویلاقیه است. آری حکمت انسان بانسان
 چنین است. آنکه درود انسان را نمیشناسد شایسته نیست که در جامعه
 انسانی بزیه. ملاحظه نماید با انسان که روز در مناطق زلزله زده قوس
 و گزین گره سرچیده هند طی همان شب با لباسهای پهنی و صوفی هنرینه
 در حالیکه سرشار از سستی و ضرورت از دست رفتن در فستوال های سینما می
 عیاشی مشغولند. غلطخواهد گفت طی در تاریخ تنهادر شاک نمیتوانند
 طی باشد بلکه این چنین است شخصیت طی در تاریخ بشری نادر است
 ولی فکری و سیستم طی یعنی قیام بر طبق ظلم و اسعای آن و ایجا در
 وحدت و برابری برای بشر امروزه تنهادر بیگانه نیست بلکه نهایت آمل و
 آرزوی اوست جهان امروز در افسی نظلمتگینی افکار بلند طی را نوبه میدهد
 اگر در چنین انقلاب فرهنگی سرچیده، اگر جامعه کجا، و مقام و نهفتنهای
 از بند بسته بندهای وجدان و اخلاق بسوی تعالی روانی یعنی سرچیده و
 اگره آگاری انسان برای انسان امروز جامعه تاریخ قرن بیستم را صور
 سازد ملاحظه تاریخ، اندیشه طی را ملاحظی می بینیم.
 آری. ملاحظی نوبه چونین هدفی قیام کرده ایم. قیام کرده ایم تا
 جهانی بسازیم که هرگونه بهره گسی انسان از انسان را ناپوش سازد. این
 هدفی مکان و زمان نمی شناسد. ایران، فلسطین، و مقام، امریکای
 لاتین، آمریکا، هر جاک باشد. امروز با فردا هر زمان و هر نقطه ای که
 خون ما بر زمین برود آمل و آرزوهایمان با روبرو شده است. برای ما شهادت

در کارفدائیان فلسطینی ، رزندگان ویتنام ، برادران سیاهکی ،
 میدان ترویجیت گریک معنی بیشترند. اردو برای تحقق چنین هدفی در
 جامعه مان بدشمنی برخوردیم که این دشمن در قیافه های امپریالیسم
 آمریکاطبقه حاکم سرمایه دار کمپرادور در ایران ، سیستم پلیسی - اداری
 نظامی و شاهنشاهی و در پارتجلی منماید که صلح بتکیک اطلحه است
 حیات ویرگ ما و شما منقاد هم دیگرند . ما برای انهدام این دشمن از
 ساواک گرفته تا سیستم اداری و شخص اولش مجبوریم بمسئله هایمان
 اتکا کنیم زیرا سنگرواستشارگر و صلح را فقط با سلاح میتوان تسلیم کرد .
 راهی که ملت ما پیچوده سر آغاز انقلاب مسلحانه اوست . مانیروی سپهنگین
 در پیش رود ارم نهری در از مدت و افتخار میگیریم که بانثار جان بی ارزشمان
 سر سازی ساده باشیم که سهمی بس کوچک از این وظیفه مهم را بعهده
 گرفته ایم و با خون ناچیزمان جوانه انقلاب را بارور ساخته ایم . موفقیت
 و پیروزی از آن ماست .

زنده و پیروز باد انقلاب مسلحانه ملت ما

درود بیروان پاک شهیدان نهضت ملی

ننگ بردشمنان ملت

لَا مَالِ لِلزَّيْدِ فَيَدُوبُ جَفَاً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمُكُّ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ الْآلِهَ

الأمثال (قرآن قسمتی از آیه ۱۹ سوره رعد) : کف روی آب از

سمان سرودولی آنچه که بنفع مردم است در زمین باقی می ماند .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

تکثیر و توزیع از:

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

P.O. BOX 4485

SPRINGFIELD, MO. 65804

شهریور ماه ۱۳۵۵ بهاء برابر ۲۰ ریال

چاپ دوم